

۴۳۵۶

۴۳۵۶

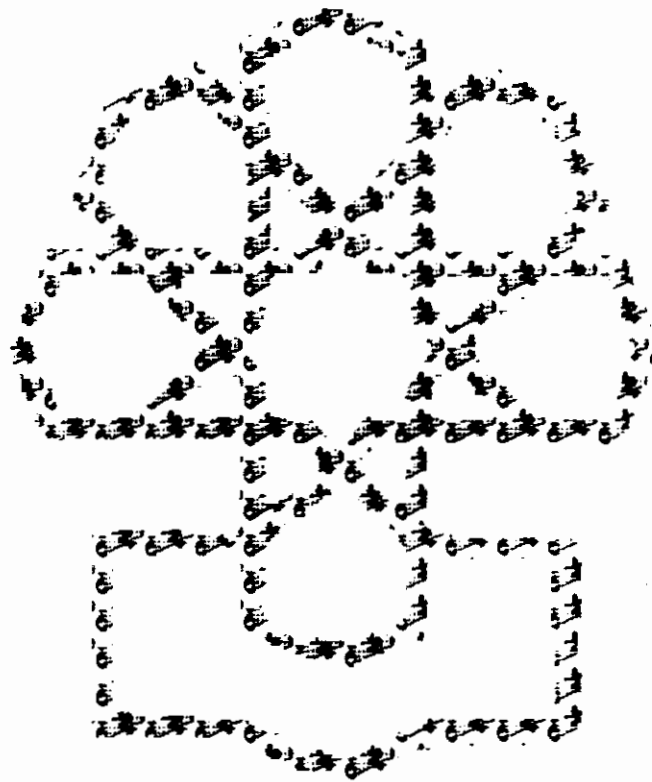
۹ X

۲۷۳۴



گذری کوتاه بر

حزب گرایی و تشکل‌های سیاسی در ایران معاصر



معاونت پژوهشی
اردیبهشت ۱۳۷۸

کار: گروه سیاسی - اجتماعی

این گزارش بنا به درخواست جناب آقای صالح اکبری نماینده محترم مردم
نقده و آشنویه در مجلس شورای اسلامی تهیه و تدوین گردیده است.

کد گزارش: ۱۳۰۴۳۵۶

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع‌رسانی مجلس شورای اسلامی
شماره: ۱۱۰۹۱
تاریخ: ۷۸/۴/۸

یکی از مهم‌ترین مفاهیم علم سیاست - به ویژه در رابطه با علم الاجتماع - حزب و به طور کلی تشکل‌های سیاسی - اجتماعی است.

حزب در ساده‌ترین معنای خود عبارت است از گروه‌ها و دستجاتی که دارای اصول و اهداف مشترک هستند و از طریق مبارزه سیاسی و با ابزار انتخاباتی در صدد کسب قدرت یا حداقل نظارت بر جریان‌های سیاسی یک کشور می‌باشند. احزاب از طریق جلب افکار عمومی و وفاداری اعضا به خود به این کار ویژه مهم دست می‌یازند.

تعاریف متعددی از حزب و مفاهیم موازی با آن شده است. یکی از نویسندگان حزب را، یک سازمان سیاسی می‌داند که در آن همفکران و طرفداران یک آرمان، داوطلبانه گرد هم می‌آیند و علی‌القائده آگاه‌ترین عناصر یک طبقه یا اقشار اجتماعی متحدالمنافع را گرد می‌آورد و بیانگر آن طبقه یا قشر بوده آن را در مبارزات اجتماعی رهبری می‌نماید.^۱

ادموند برگ حزب را گروهی از افراد جامعه می‌داند که با یکدیگر متحد شده و بر مبنای اصول خاصی که مورد قبول همه آنهاست برای حفظ و توسعه منافع ملی می‌کوشند.^۲ بر همین اساس جیمز مدیسن حزب را عده‌ای از افراد جامعه می‌داند که چه در مقام اکثریت باشند و چه در مقام اقلیت بر اساس منافع و با اهداف مشترک خود که با منافع و اهداف سایر افراد و نیز با منافع و اهداف دائمی و کلی جامعه در تضاد است، با یکدیگر طرح اتحاد ریخته‌اند.^۳

لنین در کتاب خود «چه باید کرد» حزب سیاسی را چنین تعریف می‌کند «یک گروه کوچک از افراد قابل اعتماد، با تجربه و معتقد به اصول انقلاب که دارای نمایندگان مسئول و وظیفه شناس در نواحی مهم کشور بوده... و اقدامات انقلابی را حرفه اصلی خود قرار دهند».

از دیدگاه جامعه شناختی حزب «شکل خاصی از سازماندهی نیروهای اجتماعی است که خود به عنوان سازمان، تحت فشار گروه‌ها و علایق اجتماعی مختلف قرار می‌گیرند». در کشورهایی که دارای نظام حزبی جاافتاده‌ای هستند احزاب سیاسی به عنوان حلقه پیوند میان منافع اجتماعی و نهادهای تصمیم‌گیری سیاسی عمل می‌کنند. رابطه میان گروه‌های اجتماعی و احزاب سیاسی بر حسب عوامل مختلفی مثل تعدد احزاب موجود، نظام انتخاباتی معمول و میزان ایدئولوژیک بودن یا انعطاف‌پذیری حزب تفاوت می‌کند. میان احزاب و سایر گروه‌های اجتماعی طبعاً انطباق کامل وجود ندارد. ممکن است یک حزب تنها حزب یک طبقه یا نیروی اجتماعی باشد. همچنین ممکن است چندین حزب مبتنی بر یک طبقه یا نیروی اجتماعی - سیاسی باشند و نیز ممکن است یک حزب از چندین گروه پایه تشکیل شده باشد. در نظام‌های فاقد فعالیت حزبی، نیروهای سیاسی - اجتماعی ممکن است جهت پیشبرد اهداف خود از انواع دیگری از سازمان‌بندی

۱. نیک آیین، مخند، واژه‌نامه سیاسی - اجتماعی، بی‌نایی‌تا، ص ۵۲

۲. محمدی نژاد حسن، احزاب سیاسی، امیرکبیر، ۲۵۳۵، ص ۳۴

۳. همان ص ۳۵

سیاسی غیر از حزب بهره‌برداری کنند.^۱

بنابراین یکی از مفاهیم موازی حزب، تشکل‌ها و گروه‌های فشار هستند. گروه فشار هم مانند حزب بر دسته‌ای از افراد با منافع، اهداف و اصول مشترک اطلاق می‌شود، اما برخلاف حزب دارای سازمان منسجم نیستند و همچنین قصد در دست گرفتن مستقیم قدرت را ندارند. بلکه خواهان به دست آوردن امتیازات یا دفاع از ایدئولوژی خاص خود هستند.^۲ گروه‌های فشار به صورت کلی به گروه‌های ذی‌نفع (Interest Groups) که اعضای آن دارای خصوصیات عینی مشترک هستند و گروه‌های عقیدتی (attitude groupe) که اعضای آن نسبت مجموعه‌ای از ارزش‌های مشترک متعهد هستند تقسیم می‌کنند. گروه‌های عقیدتی کمتر از دیگر گروه‌ها ثبات و دوام دارند و بیشتر دچار تحول می‌شوند.^۳

تاریخ و علل پیدایش احزاب

حزب به معنای اولیه خود یعنی تجمع دسته‌ای از افراد همفکر، همواره در طول تاریخ وجود داشته است. «در نظام‌های باستان گروه‌هایی را که موجب تقسیم جمهوری‌ها می‌شدند، حزب می‌خواندند. در ایتالیای عهد رنسانس دسته‌هایی را که دور افرادی مجتمع می‌شدند حزب می‌نامیدند. باشگاه‌هایی را که محل اجتماع نمایندگان مجالس انقلابی بود و همچنین کمیته‌هایی را که فراهم آورنده مقدمات انتخابات بودند، حزب می‌گفتند. در برابر این گروه‌ها دسته‌ای دیگر مرکب از سازمان‌های وسیع مردم که مبین افکار عمومی در دموکراسی‌های نوین هستند نیز حزب نامیده می‌شوند».^۴ اما حزب به معنای یک سازمان سیاسی منسجم از محصولات عصر مدرن نیست - به ویژه نیمه دوم قرن ۱۹- است. «تا سال ۱۸۵۰ هیچ کشوری در عالم (به استثنای ایالات متحده) دارای حزب سیاسی به معنی نوین کلمه نبود. البته در بسیاری از کشورها مراکز برای تبادل نظر، باشگاه‌هایی جهت تجمع مردم، انجمن‌هایی برای بیان اندیشه‌ها و گروه‌هایی در چارچوب امور پارلمانی وجود داشت اما هیچ یک از این مجامع به معنی خاص حزب نبودند».^۵

«اسوالد اشپنگلر پیدایش احزاب را از مظاهر خاصه شهرنشینی می‌داند و معتقد است همین که شهرها از روابطی که با ولایت اطراف خود داشت آزاد گردید سیاست دودمانی جای خود را به سیاست حزبی می‌دهد... اما احزاب در هر محیطی شکل خصوصی به خود می‌گیرند. چنانچه در پایتخت‌های مغرب زمین احزاب به روش پارلمانی تشکیل می‌گردید و در شهرهای یونان هر یک از احزاب مانند دولت مستقلی بودند».^۶

البته مفهوم حزب نخستین بار توسط ادوین برک (۱۷۲۹-۱۷۹۷) اندیشمند مشهور انگلیسی مطرح شد. وی در مقاله‌ای که در سال ۱۷۷۰ تحت عنوان «تأملاتی راجع به ناخرسندی‌های کنونی ارائه کرد، به جوانب نظری این واژه پرداخت. جیمز مدیسون اندیشمند دیگری است که حزب را مورد توجه و بررسی قرار داده است. به عقیده وی توزیع غیر عادلانه ثروت، عقاید مذهبی متفاوت، نگرش‌های مختلف افراد راجع به حکومت... مهم‌ترین علل پیدایش احزاب سیاسی هستند».^۷

۱ شپریه حسین، جامعه‌شناسی سیاسی، نشرنی، سال ۱۳۷۴، ص ۱۲۲.

۲ همان، ص ۱۲۰.

۳ مورس دوزوره، احزاب سیاسی، رفاغوی، امیرکبیر، سال ۱۳۵۷، ص ۲۳.

۴ همان، ص ۲۳.

۵ بوسقیه، وی، احزاب سیاسی، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، سال ۱۳۵۰، ص ۲۲.

۶ محمدی نژاد حسن، احزاب سیاسی، امیرکبیر، ۲۵۳۵، ص ۶۳.

احزاب سیاسی تحت شرایط خاص اجتماعی پدید می‌آیند. طبعاً می‌باید جامعه مدنی به میزانی از پیشرفت و پیچیدگی رسیده باشد تا ضرورت پیدایش احزاب به عنوان نماینده منافع و علایق گوناگون پیش بیاید. به علاوه بخش‌های قابل ملاحظه‌ای از جمعیت باید از لحاظ فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آمادگی مشارکت در حیات سیاسی را به دست آورده باشند. در جوامع سنتی... پیدایش حزب به مفهوم جدید امکان ندارد. بلکه حزب سیاسی که مبتنی بر ایدئولوژی، سازماندهی، رهبری و برنامه‌های مشخص است پدیده‌ای جدید است. احزاب سیاسی به این معنی نخستین بار در کشورهای غربی و از درون شکاف‌های طبقاتی، مذهبی، منطقه‌ای و سیاسی نشأت گرفت... تحول در ساخت اجتماعی در نتیجه انقلاب صنعتی زمینه طبقاتی احزاب سیاسی را فراهم کرد. وانگهی منشأ بسیاری از احزاب سیاسی جنبش‌های اجتماعی بودند. چنانچه احزاب کارگری غرب از درون جنبش اتحادیه‌های کارگری برخاستند.^۱

به هر حال پیدایش احزاب سیاسی به مفهوم جدید می‌تواند ناشی از علل و عوامل متفاوتی باشد. یک دیدگاه - که بر اساس نگرش انتخاباتی استوار است - قائل است که پیدایش حزب بعد از استقرار نظام دموکراسی صورت می‌گیرد. به نظر موریس دوورژه «احزاب در آغاز به شکل کمیته‌های انتخاباتی ظاهر شدند که هم از یکی از نامزدها حمایت کنند و هم وجوه مالی لازم را برای مبارزه انتخاباتی فراهم سازند».^۲ دیدگاه دیگر احزاب را ناشی از فرایند توسعه و نوسازی می‌داند. افراد یک جامعه به لحاظ رشد و آگاهی سیاسی و در پرتو توسعه سیاسی خواهان مشارکت و نظارت در امور خویش هستند. بنابراین پیدایش احزاب مؤید آن است که جامعه به مرحله‌ای از رشد و تکامل رسیده است که رهبری سیاسی آن نمی‌تواند محدود به عده‌ای افراد خاص باشد.

از طرفی همه مارکسیست‌ها معتقدند که پیدایش احزاب ناشی از تضاد طبقاتی است که طبقه کارگر به عنوان سرآمد احزاب، با داشتن بیشترین اعضا و قوی‌ترین ایدئولوژی در جهت منافع اکثریت توده گام برمی‌دارد.

ارکان حزب

هر حزب در ابتدا دارای ۴ رکن اصلی ایدئولوژی، رهبری، اساسنامه (سازمان) و مراسمنامه (برنامه کار) می‌باشد.

۱- ایدئولوژی: به طور کلی ایدئولوژی‌ها مذاهب عصر مدرنیته هستند که کارکرد سنتی اسطوره و مذهب را دنبال می‌کنند. هدف ایدئولوژی احیای وفاق اجتماعی است؛ ایدئولوژی می‌خواهد کاری را که فرهنگ به صورت طبیعی، غریزی و فطری و از طریق پیوندهای مشترک - چون باورها، سنت‌ها، زبان و نمادها، انجام می‌دهد. به طور آگاهانه انجام دهد ایدئولوژی از نو سنت‌ها را قالب بندی می‌کند. یکی از مهم‌ترین ارکان و مؤلفه‌های یک حزب ایدئولوژی است. ایدئولوژی هر حزب بیانگر هدف غایی و فعالیت آن حزب است. چنانچه هدف غایی احزاب اسلامی برقراری حکومت اسلامی و هدف نهایی احزابی مارکسیستی تشکیل یک حکومت کمونیستی است.

۲- رهبری. یک حزب - با سازمان خود - به دلایل اداری و استراتژیک و نیز به دلایل فنی و تاکتیک محتاج یک دستگاه رهبری قوی است. اساساً پدید آمدن احزاب در بسیاری از مواقع مدیون رهبری آنها

۱ شیریه حسین، ص ۱۲۲-۱۲۴

۲ موریس دوورژه، اصول علم سیاست، ابوالفضل قاضی، فرانکفون، سال ۱۳۵۱، ص ۱۵۴

می‌باشد. بنابراین رهبری و دستگاه رهبری اولاً و بالذات - به‌خصوص در احزابی که وجهه ایدئولوژیکی آن بر سایر جنبه‌های آن تفوق دارد - مقدم بر سازمان حزب می‌باشد. اما با تحکیم مبانی حزب به همان میزان که حزب به سوی یک سازمان محکم پیش می‌رود به همان نسبت نیز رهبران دوره‌ای حزب جای خود را به رهبران حرفه‌ای می‌دهند.

۳- اساسنامه. اساسنامه عبارت است از مجموعه موازین و مقررات و قواعد حاکم بر حیات داخلی یک حزب یا یک سازمان که ترکیب و ساخت آن و ترکیب کار و فعالیت آن را طبق اهداف برنامه‌ای سازمان یا حزب مربوطه (مرامنامه) تعیین می‌کند. اساسنامه ضمن تعریف حزب، ایدئولوژی و رهبری آن، نحوه تشکیل ارگان‌های آن را مشروحاً بیان می‌کند.

۴- مرامنامه. مرامنامه یا برنامه کار عبارت است از یک برنامه جامع که سند اساسی ایدئولوژی حزب می‌باشد. در مرامنامه اهداف و وظایف حزب قید گردیده است. هدف نهایی هر حزب که متناسب با ایدئولوژی آن حزب می‌باشد در مرامنامه ذکر می‌شود.

سازمان حزب

هر حزب طبق اساسنامه و بنا به شکل و صورت سازمانی خود دارای اجزا و سلسله مراتب مختلفی می‌باشد. به قول رابرت میخلز «طبقه‌ای [حزبی] که در مقابل جامعه پرچم ادعاهای مشخص خود را بر می‌افروزد و بر آن است تا مجموعه‌ای از جهان بینی‌ها یا اندیشه‌هایی را به مرحله تحقق برساند... به ناچار محتاج یک سازمان است... سازمان تنها وسیله‌ای به نظر می‌رسد که می‌تواند موجود یک خواست و هدف جمعی باشد»^۱ البته از نظر میخلز سازمان پدیده‌ای دو پهلو است که بعد منفی آن بر بعد مثبت آن تفوق دارد. «صحبت از سازمان، صحبت از گرایش‌های گوناگونی است؛ در هر سازمانی اعم از حزب یا اتحادیه صنفی و غیره آشکارا تمایلات انحرافی بروز می‌کند، مکانیسم سازمان در همان حال که موجب استحکام آن است در توده‌های سازمان یافته تغییرات بدی ایجاد می‌کند. این مکانیسم جای توده را به رهبران و جای رهبران را توده‌ها می‌دهد. چرا که اسماً و طبق اساسنامه تمام اعمال رهبران زیر نظر مدووم مرئوسین قرار دارد. و به طور نظری رئیس چیزی بیش از کارمندی که از توده‌ها دستوراتی دریافت می‌کند نیست. وظیفه رئیس عبارت است از دریافت و سپس اجرای فرامین توده‌ها، زیرا وی فقط و فقط عامل صرف اجراست. اثر و خاصیت سازمان این است که هر حزب یا سندیکای حرفه‌ای را به اقلیت رهبران و اکثریت تحت رهبری تقسیم می‌کند. تمام سازمان‌های با قوام - اعم از یک حزب سیاسی یا... - خود زمینه کاملاً مناسبی را برای ایجاد تنوع ارگان‌ها و وظایف آنها فراهم می‌سازد. هر چه دستگاه یک سازمان پیشرفته‌تر باشد... حکومت مستقیم توده در آن بی‌معنی‌تر شده و جای آن را قدرت فزاینده کمیته‌ها می‌گیرد»^۲

بنابراین هر چه سازمان یک حزب بیشتر توسعه پیدا کند وظایف اداری آن هم بیشتر و پیچیده‌تر می‌شود. هر سازمان حزبی حتی اگر هم چندان پیچیده نباشد نیاز به عده‌ای پرسنل تمام وقت دارد که تمام فعالیت خود را وقف حزب نمایند. البته ساخت و ترکیب اداری احزاب یکسان نبوده بلکه «ویژگی اساسی ساخت احزاب ناهمگون بودن آنهاست»^۳ از دیدگاه جامعه‌شناختی سه نوع مختلف را می‌توان تفکیک کرد:

الف - احزابی که - مانند احزاب بورژوازی قرن بیستم - همیشه به شکل احزاب محافظه کار و لیبرال باقی

۱ رابرت میخلز، جامعه‌شناسی حزب، ج ۱، محمدغیبزاده، نشر قوس، سال ۱۳۶۹، ص ۳۳

۲ همان‌جا، ص ۲۹-۳۰

می مانند و در جستجوی افزایش تعداد اعضا نیستند بلکه بیشتر به گردآوردن شخصیت‌ها توجه دارند؛ لذا سازمان اداری آنها در مرحله بدوی و جنینی است؛

ب- احزابی که - مانند احزاب سوسیالیست اروپا - متکی به گردآوری گروه‌های بسیار توده مردم تا حد ممکن هستند. در این احزاب عضویت همراه با مکانیسم پرداخت حق عضویت‌های خودی به نحو دقیق و منظم است. در این نوع - بر خلاف اول - بخش‌ها و گروه‌های وسیع‌تر و بازتر وجود دارد و در داخل حزب کادر ثابت حزبی پدید می‌آید. سازمان این احزاب شامل گنگره‌ها، کمیته‌ها، شوراهای، دفاتر و دبیرخانه‌هاست؛

ج- در نوع سوم - مانند احزاب کمونیسم و فاشیسم - یک نوع تمرکز مفرط وجود دارد؛ یک سیستم ارتباط عمودی که جداری مستحکم در اطراف عوامل سیاسی حزب پدید می‌آورد و انضباط شدیدی را بر فضای حزب حاکم می‌کند.^۱

در مجموع می‌توان اجزای سازمانی زیر را برای یک حزب منسجم ذکر کرد:

۱- کنگره (همایش). عالی‌ترین رکن حزبی می‌باشد که متشکل از اجتماع نمایندگان اعضای حزب است. زمان برپایی کنگره یا همایش - بسته به اساسنامه هر حزب - متفاوت است. حزب کمونیست شوروی هر ۵ سال یک بار، احزاب جمهوریخواه و دمکرات آمریکا هر ۴ سال و حزب محافظه کار انگلیس هر یک سال همایش خود را برپا می‌کند؛

۲- کمیته مرکزی (شورای مرکزی یا هیئت اجرائی)؛ بیشتر جنبه تصمیم‌گیری دارد و در مقایسه با تعداد نمایندگانی که در همایش حزب شرکت می‌کنند، عضویت این کمیته محدود و راهیابی به آن دشوار است. معمولاً اعضای کمیته مزبور به وسیله همایش انتخاب می‌شوند.

۳- گروه‌های رهبری (دفاتر حزب)، که مهم‌ترین آنها دفتر سیاسی حزب است؛

۴- کمیته‌های استان، شهرستان، شهر، بخش و روستا؛

۵- حوزه؛

۶- سلول.

از هر کدام از مفاهیم بالا تعاریف مختلف و بعضاً متناقض و مختلط ارائه شده است. به هر حال پرداختن به ابعاد نظری و عملی مفاهیم فوق از حوصله این مختصر خارج است.

انواع سیستم‌های حزبی

شکاف‌های اجتماعی و نحوه ترکیب آنها بر تعداد احزاب در نظام‌های حزبی تأثیر می‌گذارد. از این منظر سه نوع نظام حزبی متفاوت را می‌توان از هم تفکیک کرد:

۱- نظام تک حزبی؛ رژیم حزب واحدی همان دیکتاتوری مدرن است. «از نظر تاریخی اغلب احزاب بزرگ واحد در رژیم چند حزبی بوده‌اند. چند حزب در ابتدا تصور نمی‌کردند که روزی به نظام وحدت حزبی برسند... تمایل به نظام تک حزبی نتیجه ذاتی نظام توتالیتر است نه علت آن. یک حزب میل دارد حزب واحد شود چون ساخت آن حزب توتالیتر است... تئوری حزب واحد در ایتالیا و آلمان بنا شده.^۲ به هر حال رژیم‌های تک حزبی جدیدترین نوع رژیم‌های سیاسی و از ابداعات قرن بیستم و طفیل نظام

۱ مورس دوززه، حزب سیاسی، رضا عمومی، امیرکبیر، سال ۱۳۵۷، ص ۳۹-۴۰

۲ دوززه، احزاب سیاسی، ص ۳۸۸

چند حزبی است. گرایش احزاب واحد حاکم به نخبه‌گرایی است بنابراین عضویت در این احزاب آزادانه نیست. در نظام تک حزبی یک نوع تمرکز قوی به معنی کلاسیک وجود دارد و تقسیم کار به صورت عادلانه در آن اجرایی شود. اساس قدرت در دست رهبر حزب است.^۱

۲- نظام دو حزبی، به رژیمی اطلاق می‌شود که دو حزب نیرومند به صورت متناوب یا متوالی حکومت کنند. در این نوع سیستم ممکن است احزاب دیگری نیز وجود داشته باشند اما حکومت در دست همان دو حزب مطرح باقی می‌ماند. از لحاظ جامعه‌شناختی وقتی یک تعارض یا شکاف اجتماعی عمده و فعال وجود داشته باشد و شکاف‌های دیگر بالقوه یا خفته باشند احتمال پیدایش نظام دو حزبی بیشتر است.^۲

موریس دورژ معتقد است که نظام دو حزبی، یک نظام طبیعی و مطلوب می‌باشد؛ چرا که هر سیاسی متضمن انتخاب دو نوع راه حل است. راه حل‌های سوء - موسوم به حد وسط - به یکی از این دو نوع راه حل اصلی مربوط می‌شود. بنابراین در سیاست میانه روی وجود ندارد؛ جناح میانه رو چیزی جز بازیچه دست راست و چپ نیست، سرنوشت جناح میانه رو تجزیه شدن و نابود شدن است.^۳

نمونه بارز نظام دو حزبی کشورهای ایالات متحده آمریکا و انگلستان است که در اولی دو حزب دمکرات و جمهوریخواه و در دومی دو حزب محافظه‌کار و کارگر فعالیت دارند و به صورت دوره‌ای یا پی‌درپی قدرت سیاسی را در دست دارند هر چند که در امر قانون‌گذاری توأمان فعالیت دارند.

۳- نظام چند حزبی؛ ویژگی اساسی نظام‌های چند حزبی این است که در انتخابات گروه‌ها، احزاب و دستجات گوناگون شرکت می‌کنند و در ساخت قدرت نیز تمام گروه‌های درگیر شرکت دارند و تفکیک قوا تقریباً به صورت متکامل برقرار است.

از نظر جامعه‌شناسی سیاسی با افزایش تعداد شکاف‌ها و تعارضات اجتماعی و ترکیب متنوع و متعدد آنها احتمال پیدایش نظام‌های چند حزبی افزایش می‌یابد؛ عواملی چون فرهنگ سیاسی و نظام انتخاباتی ملاک تفکیک میان نظام‌های دو حزبی از چند حزبی است. در خصوص منشأ نظام چند حزبی چند عامل مطرح می‌باشد از جمله: برقراری زودرس نظام انتخاباتی نمایندگی نسبی - نه اکثریتی - در شرایط اولیه تکوین احزاب؛ وجود تمایلات گریز از مرکز در نتیجه ترکیب منازعات قومی و مذهبی با منازعات طبقاتی و پذیرش احزاب مخالف در درون نظام حزبی.^۴ امروزه فرانسه و سوئیس نمونه بارز نظام چند حزبی هستند. البته تقسیم‌بندی دقیق‌تری هم راجع به نظام‌های حزبی وجود دارد که بنابه اختصار از ایراد آن صرف نظر می‌شود.^۵

اهداف و وظایف احزاب

اهداف و وظایف هر حزب را عمدتاً از طریق مراجعه به اصول، برنامه و فعالیت‌های حزبی مندرج در مرامنامه و اساسنامه می‌توان دنبال کرد؛ اما در مجموع تمامی احزاب دارای بعضی اهداف و وظایف مشترک

۱. یوسفی و نوری، پیشین، ص ۱۱۲

۲. شریه حسین، پیشین، ص ۱۲۵

۳. دورژ، احزاب سیاسی، ص ۲۲۹

۴. شریه، پیشین، ص ۱۲۵

۵. برای مطالعه در این زمینه به بررسی حسیسی، احزاب سیاسی و نظام‌های حزبی، همیش‌نخبر و توسعه سیاسی، دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی، وزارت کشور، سال ۱۳۶۷ و نیز غفری محمد، نظام‌های حزبی و نظام‌های متحد، تهران، همان.

هستند. احزاب سیاسی بنا به ماهیت دمکراتیک و اجتماعی خود دارای هدف‌های مشترکی می‌باشند که فی‌الجمله از نکات مثبت این پدیده در جهان سیاست و اجتماع می‌باشد.

میخلز معتقد است که تمام احزاب امروزه یک هدف پارلمانی را تعقیب می‌کنند. فعالیت آنها در زمینه‌های انتخاباتی در حال توسعه است و هدف اولیه آنها کسب نفوذ پارلمانی است و هدف نهایی آنها عبارت است از فتح قدرت عمومی.^۱

به هر حال احزاب و گروه‌های سیاسی در جامعه علاوه بر ارائه خطوط فکری منسجم و استراتژی‌های مدرن و تضمین مشارکت گسترده‌تر و آگاهانه‌تر در تعیین سرنوشت خود، تأثیرات سازنده دیگری نیز از خود به جای می‌گذارند که اهم آنها به شرح زیر است:

- ۱- نهادینه شدن فعالیت‌های حزبی؛
- ۲- گسترش فعالیت‌های حزبی و تشکیلاتی و ایجاد زمینه‌های مشارکت؛
- ۳- ایجاد فضای مناسب برای تلافی و تعاطی افکار و آراء؛
- ۴- به حداقل رساندن زمینه پذیرش استبداد در جامعه؛
- ۵- نظارت بر عملکرد دستگاه اجرایی و دفاع از منافع فرد و جامعه در مقابل تعدیات و قانون شکنی‌ها؛
- ۶- تربیت کادر فعال و مستعد در سطح حزب و کل جامعه؛^۲
- ۷- شکل دادن به افکار عمومی و ایجاد وجدان سیاسی در افراد جامعه.^۳

انتقادات وارده بر احزاب

عملکرد منفی بسیاری از احزاب در طول تاریخ باعث شده تا گروه کثیری از اندیشمندان عنم سیاست - و نیز بسیاری از مردم و شهروندان هر جامعه - نظر مساعدی نسبت به حزب و تحزب نداشته باشند و در مقام انتقاد از حزب برآیند. در ذیل به برخی از مهم‌ترین انتقادات مطرح به صورت عناوین ذکر می‌شود:

- ۱- تحزب با وحدت منی مغایر بوده و همبستگی منی را درهم می‌شکند؛ احزاب با تلاش خود برای جلب اعضای بیشتر و تبلیغات متضاد میان گروه‌های مختلف جامعه تفرقه می‌اندازند و باعث تشدید تضادهای موجود در جامعه می‌گردند... احزاب سیاسی موجب بی‌ثباتی نظام مردم سالار می‌گردند.^۴
- ۲- گرایش به تمرکز و استبداد در ساخت و تشکیلات داخلی حزب و در نتیجه در فرایند حکومت. چنانچه جیمز مدیسن معتقد بود احزاب یا از نوع اکثریت هستند یا از نوع اقلیت و سرانجام چون یکی از این دو قدرت سیاسی را به دست خواهند گرفت نظام سیاسی نیز الزاماً یا از نوع استبداد اکثریت خواهد بود یا از نوع استبداد اقلیت.

۳- گرایش به سوی الیگارشی و اشرافیت. «در هر سازمانی اعم از حزب یا اتحادیه صنفی آشکارا تمایلات اشرافی بروز می‌کند»^۵ و بعد از مدتی منتخبان و نمایندگان حزب هواداران خود را فراموش می‌کنند.

۴- سلطه رابطه و روابط به جای ضابطه و شایسته سالاری.

۵- وابسته شدن حزب به حکومت.

۱. زابرت میخلز، جامعه‌شناسی احزاب، ص ۳۵

۲. عصر ما، ش ۱۵، ۲۳، ۱۳۷۴

۳. اطلاعات سیاسی، اقتصادی، ش ۶، ۱۳۵، دکتر احمد نقب زاده، ص *

۴. محمدی زاده، پیشین، ص ۴۵

۵. زابرت میخلز، جامعه‌شناسی احزاب، ص ۲۹

۶- سبب آزادی فرد و قدرت مانور وی.

۷- وابستگی حزب یا بعضی از اعضای آن به قدرت‌های خارجی.

حزب در کشورهای غربی

حزب به مفهومی که در عصر حاضر به کار می‌رود تقریباً از قرن نوزدهم میلادی در غرب پدید آمد. به عبرت دقیق‌تر احزاب سیاسی در بستر تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی غرب جوانه زدند. تحول یافتند و به کمال رسیدند. جوامع اروپایی نه تنها از مداخلات خارجی در امان بودند، بلکه در پناه یویایی حاصل از تحولات رنسانس و اصلاحات به رفع موانع داخلی پرداختند و توسعه سیاسی و اقتصادی را توأمان دنبال کردند. احزاب از مهم‌ترین دستاوردهای توسعه سیاسی این کشورهاست.

در نخستین جلسات مجلس نمایندگان فرانسه در سال ۱۷۹۱، (دو سال پس از پیروزی انقلاب) نمایندگان طرفدار اصلاحات عمیق سیاسی در سمت چپ مجلس قرار گرفته و به همین مناسبت به جناح چپ معروف شدند و طرفداران نظام سنتی و فئودالی سابق در سمت راست مجلس می‌نشستند و به جناح راست معروف شدند. این تقسیم‌بندی که عملاً براساس معیارهای فکری و سیاسی انجام شده بود زمینه ساز ایجاد احزاب و گروه‌های سیاسی با مواضع فکری معین شده و امروزه در کشورهای غربی احزاب و گروه‌های متنوع و مختلف وجود دارد که هر کدام اقلاری از جامعه را زیر پوشش خود قرار می‌دهند. در این کشورها هر یک از احزاب به عنوان سخنگوی بخشی از مردم جامعه خود عمل می‌کنند. در این جوامع حضور احزاب در ساختار سیاسی نه تنها امری طبیعی بلکه ضروری تلقی می‌گردد و حکومت نیز به عهده حزب یا ائتلافی از احزاب و تشکلهای سیاسی است که اکثریت نسبی آرا را در جامعه داشته باشند.^۱

از آنجا که احزاب سیاسی در غرب در ارتباط مستقیم با پدیده انتخابات و به منظور انجام بهینه آن شکل گرفتند. بیشتر کار اساسی آنها نیز بابرگزاری انتخابات مربوط است؛ چنانکه ماده ۲۱ قانون پایه ۱۹۴۹ آلمان و ماده ۴ قانون اساسی جمهوری پنجم فرانسه نیز همین وظیفه را برای احزاب پیش‌بینی کرده‌اند.^۲

در رابطه با فرایند تکوین احزاب در غرب علل و عوامل زیادی دخیل بوده است که چهار مورد از مهم‌ترین آنها عبارت است از:

الف- خروج کشورهای اروپایی از سنخ افکار قرون وسطایی به واسطه پیدایش جنبش نوزایی و اصلاح؛

ب- تحولات عظیم در نظام اقتصادی در مسیر تکاملی وقوع پی در پی انقلابات تکنیکی، صنعتی و علمی؛

ج- ارگانیزه شدن نیروی کار و افزایش تعداد کارگران و کارمندان؛

د- پیدایش تحرک اجتماعی و نیز ظهور اندیشه‌های مبتنی بر لیبرالیسم اقتصادی و دموکراسی سیاسی.

به‌طور کلی می‌توان از منظر فرایند تکوین احزاب غربی آنها را به دو دسته تقسیم کرد: دسته اول احزابی که مبدأ پارلمانی دارند و نوع دوم احزابی که دارای مبدأ غیرپارلمانی هستند. پیدایش نوع اول احزاب مشروط به پیدایش گروه‌های پارلمانی و کمیته‌های انتخاباتی بوده و می‌باشد. در نوع دوم عوامل مختلفی خارج از پارلمان سبب ایجاد احزاب شده است.^۳

ایالات متحده، انگلیس، فرانسه و آلمان اولین کشورهایی بودند که حزب به مفهوم مدرن خود در آن

۱- صورت حزب، عصر ما، ش ۱۵، ۶-۱۳۷، ص ۶

۲- فیب، اده احمد، نقش، رفتار و عملکرد احزاب در جوامع مدرن، اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۶، ۱۳۵، ص ۴

۳- غنای، زده محمود، یادها به شکل‌گیری و سازمان احزاب سیاسی، هدایت حزب و توسعه سیاسی

شکل و نضج گرفت. در ادامه این بحث به عنوان یک مطالعه موردی چهار تا از مهم‌ترین احزاب دو کشور ایالات متحده و انگلیس را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

انگلستان: این کشور از جمله کشورهایی است که دارای نظام دو حزبی قوی است. دو حزب کارگر و محافظه‌کار از دیرباز از طریق رقابت انتخاباتی شدید به صورت متوالی یا متناوب قدرت سیاسی را در دست داشته‌اند. اگرچه احزاب دیگری هم کم و بیش دارای فعالیت بوده و هستند اما هیچ کدام از آنها توانایی رقابت با این دو حزب را نداشته‌اند.

قدرت سیاسی و اجتماعی که امروزه احزاب سیاسی انگلستان دارند، هیچ یک از احزاب در اروپا و امریکا ندارند. در انگلستان دموکراسی و احزاب سیاسی دارای یک مفهوم می‌باشند.^۱

حزب کارگر انگلیس به موجب تصمیم کنگره کارگران انگلیس در سال ۱۸۹۹ تشکیل گردید و به عنوان یک تشکیلات انتخاباتی و پارلمانی اعلام موجودیت کرد. «البته پیش از این حزب کارگر مستقل به رهبری کیر هاردی و به‌ویژه گروهی از روشنفکران سوسیالیست به نام انجمن فابین وجود داشت».^۲ این دو سازمان نقش مهمی در ایجاد حزب کارگر فعلی داشتند. حزب کارگر انگلیس مستقیماً تحت تأثیر سندیکا‌های کارگری به وجود آمده است.

بعد از پایان جنگ جهانی اول هندرسون رهبر حزب کارگر به تجدید سازمان حزب پرداخت و در تمام حوزه‌های انتخاباتی سراسر کشور احزاب محلی کارگر به وجود آورد. در آغاز سال ۱۹۲۴ مک دونالد اولین حکومت کارگری را در انگلستان تشکیل داد و موفق گردید در عمر کوتاه حکومت خود قوانینی جهت کارگران و بهبود وضع آنان و افراد بیکار از تصویب پارلمان بگذراند.^۳

حزب محافظه‌کار انگلیس از لحاظ سازمان‌بندی به صورت وزارتخانه‌ای مستقل می‌باشد. به طوری که قدرت سیاسی و اجتماعی و حتی سازمانی این حزب از قدرت تمام وزارتخانه‌های انگلیس بیشتر و با اهمیت‌تر است. بارزترین صفت مشخصه حزب محافظه‌کار تمرکز کامل قدرت در دست رهبر و حزب است. زمانی که حزب محافظه‌کار حکومت را به دست می‌گیرد و رهبر حزب به نخست‌وزیری منصوب می‌شود با اختیار تمام همکاران کابینه خود را بر می‌گزیند.^۴

ایالات متحده امریکانیز از جمله نظام‌های سیاسی دو حزبی است. اما برخلاف نظام دو حزبی انگلیس دو حزب فعال امریکادارای اختلاف ایدئولوژیکی نیستند؛ بلکه حزب دمکرات مخالف تمرکز و حزب جمهوریخواه، خواهان یک نوع تشدید اقتدار و اتحاد می‌باشد.

حزب دمکرات یکی از دو حزب سیاسی بزرگ ایالات متحده امریکاست که در سال ۱۷۸۷ در مقابل فدرالیست‌ها به وجود آمد و از تحدید قدرت دولت فدرال حمایت می‌کرد. این حزب نخست حزب جمهوریخواه و سپس حزب جمهوریخواه دمکرات نام داشت و از سال ۱۸۲۸ به بعد عنوان «دمکرات» برای آن مسجل شد. در سال ۱۸۰۱ تامس جفرسون رهبر این حزب رئیس جمهور شد و در «دوره خوش‌بینی» (۱۸۱۷-۱۸۲۵) تنها حزب سیاسی ایالات متحده بود اما گروهی که طرفدار تعرفه‌های گمرکی سنگین بودند از این حزب جدا شدند و عنوان «حزب جمهوریخواه» را به خود گرفتند و باقی ماندگان به رهبری

۱. یوسفه والی، پیشین، ص ۲۰۵

۲. موریس دوروز، حزب سیاسی، ص ۳۱

۳. یوسفه والی، پیشین، ص ۲۹۶

۴. همان، ص ۲۷۵

اندر و حکسون به حزب دمکرات معروف شدند. قبل از جنگ داخلی (۱۸۶۱-۱۸۶۵) این حزب دچار تشعب شد و دمکرات‌های شمالی از دل آن بیرون آمدند... نشان رسمی این حزب لاغ است.^۱ دومین حزب مطرح ایالات متحده حزب جمهوریخواه است. همچنانکه ذکر شد عنوان جمهوریخواه در اصل متعلق به حزب دمکرات فعلی بود. این که در سال ۱۸۲۸ همداران تعرفه‌های گمرکی زیاد به رهبری جان آدامز و هندی کمی از آن جدا شدند و خود را جمهوریخواه ملی یا ویگ‌ها نامیدند. حزب جمهوریخواه فعلی در سال ۱۸۵۴ از اتحاد جمهوریخواهان ملی و دمکرات‌های شمالی پدید آمد که هر دو دسته مخالف برده داری بودند. این حزب در سال ۱۸۶۱ با رئیس جمهور شدن ابراهام لینکلن به قدرت رسید و تا سال ۱۹۱۳ قدرت را همچنان به دست داشت. غالباً این حزب را دست راستی‌تر از حزب دمکرات می‌دانند... علامت این حزب یک فیل است.^۲

کینگ مرتن - علاوه بر کار ویژه‌های آشکار حزب در امریکا - سه کار ویژه پنهان را برای احزاب امریکا ذکر می‌کند: کار ویژه‌های پنهان احزاب کار ویژه‌هایی هستند که منظور نظر بانیان حزب نبوده و فقط در تحولات بعدی بروز می‌کند و کشف آنها نیز مستزم تأمل خاص است؛ نخست کارگزاران حزب از طریق ایجاد رابطه مستقیم با رأی دهندگان روابط درون حزبی را انسانی و شخصی می‌کنند به عبارت دیگر حزب با پاسخ به نیازهای انسانی و شخصی رأی دهندگان وفاداری آنان را به خود جلب می‌کنند؛ دوم این که ماشین حزب تأمین کننده امتیازات سیاسی نیز هست که خود به دستاوردهای اقتصادی بلافصلی می‌انجامد که از این طریق میان امور عمومی و امور خصوصی نوعی رابطه عقلانی به وجود می‌آورند و سوم این که حزب افرادی را که به وسطه اصالت زدی یا تعویق به یک طبقه فروتر از امکان پیشرفت اجتماعی محروم مانده‌اند، به بدنه جامعه متصل می‌کند و آنان را در فریند تحولات اجتماعی مشارکت می‌دهد.^۳

احزاب در جهان سوم

قرن هیجده به بعد - درحالی که کشورهای اروپایی به سوی توسعه سیاسی و اقتصادی پیش می‌رفتند - کشورهای جهان سوم با تاریخ، فرهنگ، اقتصاد و ساختار اجتماعی متفاوت و تحول نیافته، ناگهان با جوامع صنعتی غرب روبه‌رو شدند. این کشورها قسراً از آن که بتوانند واکنشی از خود نشان دهند یا راجع به آینده خود به تفکر بپردازند، با ساختار به نسبت متعصب استعماری روبه‌رو شدند و از این طریق به گونه‌ای غیر طبیعی وارد گردونه تمدن معاصر شدند.

چنین است که امروزه جوامع در حال توسعه در راه پذیرش یک نظام حزبی با این مشکل روبه‌رو هستند و باید با تقلید از نظام‌های سیاسی اروپایی پدیده‌ای خارجی را که هیچ مرجع داخلی برای آن نمی‌شناسند در محیطی وارد کنند که تمام عوام و عناصر آن در جهت خلاف پدیده مزبور قرار دارد. این جوامع که از یک سو به دلیل کارآمدتر بودن نظام‌های غربی و از سوی دیگر به دلیل روند مسلط جهانی شدن نظام‌ها و ارزش‌های اروپایی مجبور به قبول انتخابات، پارلمان و سازمان اداری حزبی هستند، نمی‌توانند از سایر نهادهای همزاد و اجزای وابسته به این گونه نظام‌ها مثل حزب خودداری کنند. این امر آنها را در تعارض با

^۱ کشوری در پیش، فرهنگ سیاسی، مورس، ص ۲۲۱، ۲۲۲.

2. whigs

^۳ همان، ص ۳۳

^۴ همان، ص ۳۴، پیشین ص ۹

ارزش‌ها و سنن محیط خود قرار می‌دهد بدون آن که قادر باشند سنت‌ها و ارزش‌های جامعه خود را با این پدیده‌های نوظهور وفق دهند یا این پدیده‌ها را با سنن خویش سازگار سازند. صرف نظر کردن از این پدیده‌ها نیز به دلیل وضعیت خاص روابط بین‌الملل و به‌خصوص به دلیل تجربه ضلوانی استعمار عملاً امکان‌پذیر نیست.

مشکل دیگر کشورهای جهان سوم مهلت کوتاه آنها در پذیرش پدیده‌های غربی است. اگر جوامع اروپایی توانستند طی دو یا سه قرن آرام آرام با دمکراسی و مظاهر آن خو بگیرند جوامع جهان سوم بعد از رهایی از استعمار در برابر کشمکش خاصی قرار گرفتند که آنها را مجبور می‌سازد در اسرع وقت خود را به ساختارهای دولتی و ملی (به سبک اروپا) مجهز سازند؛ از همه مهم‌تر مداخلات خارجی در قالب‌های مختلف آن اجازه را نمی‌داد که جوامع جهان سوم برحسب اولویت یا به تناوب به رفع مشکلات اقتصادی و سیاسی خود بپردازند. به مجرد آن که در جهت تمرکز قدرت در قالب دولت ملی - که لازمه حرکت‌های بعدی است - قدم بردارند با موانعی نظیر حقوق بشر رو به رو می‌شوند. در این حالت جوامعی که اولین مرحله از مراحل رشد اروپایی یعنی مرکز واحد دولتی و دستیابی به محیط یکپارچه را پشت سر گذاشته‌اند و دچار تضادهای اساسی و گسیخت‌آور هستند چگونه می‌توانند با کشورهایایی که سومین مرحله توسعه را پشت سر می‌گذارند، برابری کنند؟!

از این رو باید پذیرفت که حزب پدیده‌ای است اروپایی و پذیرش آن کم و بیش مستلزم عبور از همان مراحل است که کشورهای اروپایی پشت سر گذاشته‌اند. در عین حال ظرافت امر در این است که کار ادغام این پدیده در بطن جامعه مبتنی بر فرهنگ غیر اروپایی چنان صورت گیرد که کمترین تعارض را با سنت‌های موجود به وجود آورد. همان‌طور که ژرژ بالاندیه - جامعه‌شناس فرانسوی - یادآور می‌شود بعضی از دولت‌های تازه به استقلال رسیده گرایش به این دارند که عناصر تجدد را در عبارت‌ها و قالب‌های بومی عنوان کرده و به آن پوششی سنتی بدهند تا کمتر با واکنش گروه‌های سنتی رو به رو شوند. به هر صورت باید در نظر داشت که وضعیت کشورهای جهان سوم وضعیت‌گذار از سنت به تجدد است.^۱

از این میان کشورهای اسلامی جهان سوم وضعیت حادث‌تر و شکننده‌تری دارند. «نخستین احزابی که در جهان اسلام تأسیس شدند معمولاً به وسیله رادیکال‌ها - که خواستار تغییرات عمیق و ریشه‌ای در وضع اجتماع و بهبود شرایط زندگی طبقات محروم بودند - یا به وسیله افرادی که از آنها الهام می‌گرفتند به وجود آمد. رادیکال‌ها خواهان اصلاحات عمیق و ریشه‌ای بودند اما احزابی که تأسیس کردند به علت نبودن نهادهای منعکس‌کننده افکار مردم، زمینه‌ای وسیع برای قدرت‌نمایی و ابراز وجود نیافتند و همین وضع باعث شد که افکار رادیکالی به علت نداشتن میدان عمل، تشدید گردید... احزاب سیاسی تازه تأسیس در مناطق عربی زبان خاورمیانه در بدو امر دسته‌های کوچکی از مردمان آن مناطق بودند که تحت تأثیر اندیشه‌های اروپایی قرار داشتند. تشکیلات حزبی آنها در اوایل کار خیلی سست و کوتاه مدت بود و اعمال‌شان معمولاً در خفا و دور از چشم مقامات دولتی انجام می‌گرفت...»^۲

در این راستا چند مورد از احزاب اسلامی در کشورهای اسلامی و سپس وضعیت احزاب در ایران مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

مصر از جمله پیشروان تشکیل و تشکل حزبی است؛ یکی از نخستین جمعیت‌هایی که به صورت

۱ نقیب‌زاده احمد، تجربه حزب در کشورهای جهان سوم، همایش تحریک و توسعه سیاسی، وزارت کشور
۲ شیخ الاسلامی، حواد، پیشین، ص ۱۴

سازمان یافته در این کشور ظهور کرد جمعیت اتحاد مصر افتاد بود که در سال ۱۸۷۹ به منصف ظهور رسید. این جمعیت متأثر از فکر سیدجمال بود و دارای یک روزنامه - به دو زبان عربی و فرانسوی - هم بود. دیگری جمعیتی بوده نام حزب الوطنی که در سال ۱۸۷۹ تشکیل شد؛ این حزب نیز مانند جمعیت اتحاد جوانان مصر - حکومت خودکامه خدیو و نخست وزیرش مصطفی ریاض پاشا مخالف بود و خواهان یک رژیم پارلمانی بود. در سپتامبر ۱۸۸۱ این حزب با همکاری افسران ناراضی ارتش کودتایی را علیه توفیق پاشا انجام داد و حکومت را به دست گرفت اما یک سال بعد از قوای انگلیسی شکست خوردند. از این زمان تا سال ۱۸۹۲ دیگر فعالیت حزبی در مصر دیده نشد؛ تا این که در همین سال عباس حلمی که بر مسند خدیوی نشسته بود برای رهبری از تحت نظارت بریتانیا بودن به جوانان انقلابی و تحصیلکرده اجازه فعالیت حزبی داد. از جمله آن مصطفی کامل بود که تا سال ۱۹۰۴ با عباس حلمی همکاری می کرد اما از این تاریخ به بعد از وی جدا شد و مستقلاً حزب تاسیونالیست - حزب الوطنی را تأسیس کرد. هدف اصلی وی تلاش برای خروج قوای انگلیسی از مصر بود. در نخستین کنگره این حزب وی به عنوان ریاست مادام العمر حزب انتخاب شد و چند ماهی بعد در گذشت؛ این حزب تا سال ۱۹۵۳ فعالیت داشت اما پس از کودتای نظامیان در سال ۱۹۵۳، این حزب و نیز سایر احزاب به موجب مصر به شورای نظامی انقلاب منحل و کتبه اموال آنان مصادره شد.

یکی دیگر از احزاب مهم سیاسی - اجتماعی مصر، جمعیت اخوان المسلمین است؛ نهضتی که در سال ۱۹۲۹ در مصر پدید آمد و یدئولوژی آن آیین اسلام بود؛ در اصول سیاسی و اجتماعی خواهان بازگشت به اصول حکومت اسلامی در قرن های اولیه آن بود. این نهضت حمایت مسلمانان بر حرارت همه طبقات را در داخل و خارج مصر به خود جلب کرد و در پایان جنگ دوم جهانی حدود دو میلیون نفر عضو داشت که بیش از پانزدهم مصری بودند... در سال ۱۹۴۸ نهضت توطئه ای برای قتل نخست وزیر مصر - که فعالیت های آنان را متوقف کرده بود - ترتیب داد که در نتیجه آن حسن البنا کشته شد اما به حزب اجازه داده شد فعالیت های خود را از سر بگیرد... مبارزات آنها با دولت مصر به آنجا انجامید که در سال ۱۹۵۴ به ناصر سوء قصد کردند و در نتیجه سازمان های شان منحل و اموال شان توقیف گردید و جمعی از سران شان اعدام گردیدند. پس از این واقعه مرکز این نهضت به دمشق منتقل شد.

از دیگر مهم ترین احزاب در کشورهای جهان سوم، حزب مسلم لیگ است؛ این حزب در سی ام دسامبر ۱۹۰۶ به پیشنهاد آق خان در شهر داکا تأسیس شد. مسلم لیگ در بدو امر نهضتی محتاط بود که می کوشید مقامات انگلیسی را وادار به پذیرش و به رسمیت شناختن پاره ای حقوق سیاسی برای مسلمانان هندوستان سازد. پس از تشکیل دولت پاکستان حزب مسلم لیگ رسماً دعا کرد که تنها حزب سیاسی سازمان یافته در سر سر شبه قاره هند است که می تواند خط مشی قاطع و مؤثری برای تشکیل دولت اسلامی ارائه دهد و آن را رهبری کند. از این زمان به بعد محمد علی جناح - فرماندار کل کشور پاکستان - رهبری این حزب را به عهده داشت. پس از مرگ محمد علی جناح (۱۹۴۸) او جانشین وی لیاقت علی خان (۱۹۵۱) مسلم لیگ تحرک سابق خود را از دست داد و با کودتای نظامی ۱۹۵۸ ایوب خان و حکومت نظامی وی، این حزب و نیز سایر احزاب پاکستان منحل گردیدند... احزاب پاکستان در سال ۱۹۶۲ مجدداً فعالیت خود را از سر گرفتند. در

۱. بیخ اسلام، حزب پیشین مسلم لیگ
 ۲. شورای دوس، پیشین، ص ۹

همین تاریخ مجلس ملی پاکستان قانون اساسی مصوب مارس ۱۹۶۲ را بدین سان اصلاح کرد که در آتیه هیچ حزب سیاسی حق ندارد عملی به زیان ایدئولوژی اسلام و ثبات و تمامیت ارضی پاکستان انجام دهد یا کمکی از کشورهای خارجی دریافت کند. مسلم لیگ فعالیت خود را بی درنگ از سر گرفت؛ خود ایوب خان هم رسماً در ماه می ۱۹۶۳ به عضویت مسلم لیگ درآمد.^۱

سیر تکوین احزاب در ایران

حزب به مفهوم جمعیتی سیاسی در ایران همچون بسیاری از جوامع سابقه‌ای طولانی و تاریخی دارد. این تجمع‌های سیاسی گاه مانند سربنداران و فداییان اسماعیلی جنبه‌ای نظامی داشته و گاه همچون اخوان الصفا سیاست را در کنار اندیشه و اصلاح اخلاقی و فلسفی پیشه خود می‌ساختند. اما در واقع سابقه حزب سیاسی به شکل و در چارچوب تعاریف مرسوم و کنونی به دوره مشروطه و حوادث پس از آن برگشت پیدا می‌کند؛ بعد از آن که سیستم سیاسی ایران از حکومت استبدادی به حکومت مشروطه پارلمانی تغییر یافت. مشروطه‌خواهان و به‌ویژه روشنفکران آن عصر در صدد ایجاد احزاب سیاسی برآمدند و احزاب و تشکل‌های مختلفی را با آرمان‌ها و ایدئولوژی‌های گوناگون پایه‌گذاری کردند.

تشکیل دوره‌ها، دستجات و انجمن‌ها را به تعبیری می‌توان شکل نخستین احزاب سیاسی در ایران به‌شمار آورد. دوره اشاره به گروهی از دوستان و آشنایان داشت که تعداد آنها معمولاً از پانزده نفر تجاوز نمی‌کرده و جلسات خود را به صورت هفتگی یا دو هفته یک بار و در خانه یکی از اعضا تشکیل می‌دادند. این نشست‌ها معمولاً برای حمایت از یکدیگر ایجاد ارتباط سیاسی غیررسمی صورت می‌گرفت. تشکیل دوره بیشتر در بین قشرها و طبقات بالا و متوسط جامعه انجام می‌گرفت. همین دوره‌ها بود که در آستانه نهضت مشروطیت تبدیل به انجمن‌ها شد؛ انجمن‌ها دارای اعضای بیشتر و سیستم سیاسی پیچیده‌تر بوده انجمن را می‌توان نمونه قدیم احزاب سیاسی در ایران دانست. فداکسیون یا گروه‌گرایی پارلمانی نیز - که از دوره دوم مجلس شروع شد - زمینه و مقدمه‌ای برای تشکیل احزاب بود.^۲

نخستین احزابی که در دوره دوم مجلس بر پا بود، دو حزب دمکرات عامیون و اعتدالیون بود. احزاب دیگری هم از قبیل اتفاق و ترقی در این دوره دارای فعالیت بودند. این احزاب علی‌رغم شروع مساعد، فعالیت و دوام زیادی نداشتند؛ فردگرایی، نفع‌پرستی، قدرت‌طلبی، عدم انسجام ساخت سیاسی و بالاتر از همه نفوذ قدرت‌های خارجی ساخت سیاسی آنها را بعد از مدتی در هم ریخت. لیکن می‌توان گفت آشنا ساختن ایرانیان با مسئله رأی‌گیری، جامعه‌گرایی، حفظ و توسعه نظام قانونی و تحدید حقوق دربار از جمله مسائلی بود که این احزاب تا حد زیادی به انجام آن نایل آمدند.

از دوره رضاخان و به دنبال استقرار استبداد وابسته به انگلیس نه تنها از فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی جلوگیری به عمل آمد بلکه عملاً هیچ‌گونه فعالیت سیاسی امکان‌پذیر نبود بعد از سقوط رضاخان و ایجاد فضای به نسبت آزاد سیاسی - که نتیجه اشغال ایران توسط قدرت‌های بزرگ بود - فعالیت احزاب دوباره آغاز شد.

بنابراین از بدو شروع گروه‌بندی سیاسی در ایران تا دوره محمد رضا شاه «واحد اصلی فعالیت سیاسی در ایران همین دسته‌ها و گروه‌های پراکنده بودند و سیاست ممنکت هم در این مدت براساس منافع فردی و

^۱ شیخ الاسلامی، حیات، پیشین، صص ۱۱۲-۱۱۳
^۲ بهار، محمدتقی، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، امیرکبیر، ۱۳۵۳، ص ۴

گروهی و روابط غیررسمی جریان داشت. چنین سیاستی را می‌توان سیاست فرقه‌ای (Clan politics) نامید. چنین سیاستی می‌توانست خود را - سروریت حکومت پارلمانی سازگار سازد و حتی تحول پدید و شکل نوعی سیاست حزبی پیدا کند اما این سیاست دارای ساختاری بود که اجازه نداد حکومت پارلمانی و فعالیت حزبی پایدار قوام پیدا کند.

مدیا تحول ایجاد شده در فضای سیاسی کشور بعد از سقوط رضاشاه، زمینه فعالیت مجدد احزاب در صحنه سیاسی کشور پدیدار گردید؛ حزب توده در مهر ماه ۱۳۲۰ با حمایت عینی قوای اشغالگر شوروی فعالیت خود را آغاز کرد و به دنبال آن و تا کودتای مرداد ماه ۱۳۳۲ احزاب و گروه‌های وابسته به انگلیس - نظیر حزب دمکرات قوام‌السلطنه - و همچنین احزاب مسی و اسلامی - نظیر حزب ایران، حزب پان ایرانیست، حزب زحمت‌کشان ملت ایران، فداییان اسلام، مجمع مسلماناتان مجاهد و صدها حزب کوچک و بزرگ دیگر - به تدریج شکل گرفتند. برخی از این احزاب نظیر «ایران»، «زحمتکشان» و «پان ایرانیست» در دوره حکومت مصدق - که آزادی‌های سیاسی به اوج خود رسیده بود - دچار انشعاب شدند. گروهی دیگر از احزاب کوچک که توسط قدرت‌های بیگانه و با انگیزه‌های شخصی ایجاد شده بود، پس از مدت کوتاهی از بین رفتند. حزب توده ایران نیز عمی‌رغم صدور حکم انحلال آن در بهمن ۱۳۲۷ تا کودتای مرداد ۱۳۴۲ تحت عناوین دیگر همچون «جمعیت واحد ضد استعمار» به فعالیت خود ادامه داد و از آن پس تا پیروزی انقلاب اسلامی شیوه فعالیت مخفی را برگزید. پس از سقوط دولت مصدق و برقراری مجدد اختناق فعالیت حزب مسی و اسلامی نیز عملاً توسط رژیم کودتا ممنوع بود و لذا آنها تحت عنوان «نهضت مقاومت ملی» به صورت مخفی به فعالیت خود ادامه دادند و در سال ۱۳۳۹ با استفاده از آزادی نسبی تحت نام «جبهه مسی ایران» فعالیت عینی مجدد خود را آغاز کردند و پس از یک سال «نهضت آزادی ایران» که تشکیلاتی منی - اسلامی بود در درون جبهه مزبور شکل گرفت. با شکست خونین قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ بار دیگر در صحنه فعالیت‌های سیاسی ایران حقیقان به‌طور کمن برقرار شد و به تدریج گروه‌های مسلح و چریکی جای آنها را گرفت. البته پیش از کودتای ۲۸ مرداد دو حزب فرمایشی منیون و مردم نیز در نقش اکثریت و اقلیت ظاهر شدند که با برکناری دکتر اقبال از نخست‌وزیری در سال ۱۳۳۹ حزب منیون عملاً از بین رفت و بعدها حزب اکثریت مشبیهی بانام ایران نوین توسط مصور و یارانش تشکیل گردید و مجدداً نظام به اصطلاح دو حزبی تا سال ۱۳۵۴ که شاه اعلام حزب واحد و انحصاری رستاخیز را نمود بر کشور حاکم بود.

با پیروزی انقلاب اسلامی و به دنبال گسترش آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، احزاب و گروه‌های سیاسی فراوانی در عرصه سیاسی کشور ظاهر شدند. گروه‌های متعدد مارکسیست منافق و مخالف انقلاب و نظام در سال‌های اول پیروزی انقلاب با سوء استفاده از آزادی‌های موجود به دنبال براندازی نظام بودند. حزب جمهوری خلق مسمان، سازمان فداییان خلق ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران و حزب توده ایران از عمده‌ترین گروه‌های سیاسی بودند که به‌دلیل خیانت به انقلاب به تدریج ماهیت‌شان افشا و یکی پس از دیگری از صحنه خارج شدند.

در این دوره دو شکل سیاسی طرفدار نظام نیز به وجود آمد یکی «حزب جمهوری اسلامی» و دیگری «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی» بود. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی از وحدت هفت گروه مبارز مسمان که علیه رژیم شاهنشاهی فعالیت داشتند، در اواخر سال ۱۳۵۷ تشکیل شد. اما خارج شدن لیبرال‌ها

۱. بی‌بی‌سی، «صحنه‌های دمکراسی در ایران»، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۷۱، ص ۵۵

از صحنه سیاسی کشور و علنی شدن و تشدید تضادهای فکری و سیاسی جناح خط امام. در این سازمان اختلاف نظر ایجاد شد و موجب کاهش کارایی و در نهایت انشعاب آن شد. در پی این انشعاب گروه مستقلی به نام جناح چپ به وجود آمد. این سازمان از آن پس در اختیار جناح مرسوم به راست قرار گرفت و تا سال ۱۳۶۵ که با توافق امام راحل رحمه... علیه منحل شد به فعالیت ادامه داد. حزب جمهوری اسلامی نیز به دنبال بروز اختلافات فکری مشابه و برخی عملکردها با عنایت به نظر حضرت امام توسط بنیانگذارانش تعطیل اعلام شد. پس از انحلال این حزب و سازمان، تنها تشکل سیاسی موجود - که البته جنبه حزب نداشت - «جامعه روحانیت مبارز تهران» بود که در سال ۱۳۶۷ با یک انشعاب روبه‌رو شد و «مجمع روحانیون مبارز» به وجود آمد. این تشکل تا انتخابات دوره چهارم مجلس فعال و پس از آن عملاً فعالیت را متوقف کرد.

در دهم مهر ماه سال ۱۳۷۰ سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران توسط جمعی از اعضای جناح چپ سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی سابق تشکیل شد که امروزه از منسجم‌ترین تشکل‌های سیاسی کشور محسوب می‌شود.^۱

به هر روی عملکرد نامطلوب و فقدان کارنامه‌های درخشان احزاب تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و نیز بعد از پیروزی انقلاب، موجب شد تا مردم ذهنیتی منفی نسبت به فعالیت احزاب و گروه‌ها و پیوستن به آنها پیدا کنند. این ذهنیت کم و بیش تا اواخر دهه دوم انقلاب ادامه داشت. از این زمان به بعد روند رو به رشد توسعه سیاسی در کشور ضرورت ایجاد و گسترش احزاب را نیز گوشزد می‌کرد اما در این دوره نیز ظهور گروه‌های غیررسمی که دارای ایدئولوژی و استراتژی مدونی نبوده و تنها در پی منافع خود و کسب قدرت جهت بر آوردن خواسته‌های خود بودند، آن ضرورت را همچنان مخدوش کرد لذا گرایش عمومی - و حتی در زمینه نخبگان و روشنفکران - به احزاب و گرایش‌های سیاسی باز دیگر کاهش یافت. انتخاب آقای خاتمی به عنوان رئیس جمهوری نظام جمهوری اسلامی ایران و فضای باز سیاسی و فکری که در پرتو این انتخاب ایجاد شد باز دیگر باعث شد تا کانون فعالیت‌های سیاسی و حزبی کشور نیز با تحرک دیگری مواجه شود.

تبیین ظریف و شفاف مواضع گروه‌ها، احزاب و تشکل‌های فعلی جمهوری اسلامی ایران از مسائل بسیار مشکل و طاقت‌فرساست. دلیل آن یک بعد جامعه‌شناسانه دارد و یک شیوه سلوک دین‌مدارانه. در جنبه نخست امکان سریع تغییر مواضع را می‌توان از مصائب یک مطالعه جامعه‌شناختی محسوب کرد. مردم ایران هر چند مدت کوتاهی از دوران تاریخی خود را قدرت‌تنفس در فضای آزاد را یافته‌اند. با این حال بی‌نهایت در ورطه افراط و تفریط گرفتار بوده‌اند، نگاهی به تاریخ مطبوعات ایران این فراز و نشیب را به راحتی نشان می‌دهد. فشار دیکتاتوری باعث گردیده تا ایرانیان از فرصت‌ها حداکثر استفاده را بنمایند به این دلیل که آینده را تاریک می‌بینند و البته روشن است که حرکت سریع و بعضاً الگو پذیرفته از خارج از درون‌مایه مستحکمی برخوردار نخواهد بود. بنابراین اگر لزوم دینداری مردم را نیز به این سلوک سیاسی بیفزاییم در آن صورت شدت تغییر مواضع را با وجهه شرعی سریع‌تر می‌یابیم. تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نیروهای دینی دارای هدف راسخی چون پیروزی نهضت اسلامی را دنبال می‌نمودند و در این راه از اتحاد نیروهای سوسیالیستی و ناسیونالیستی نیز برخوردار بودند. شکست دشمن مشترک اتحاد را ضروری ساخته بود. لذا در این مرحله خلاف مرام حرکت کردن را منحصر در نیروهای غیردینی می‌بینیم که به نوعی

^۱ عصر ما، ۲۳، ۱۵، ۶، ۱۳۷۴، ص ۴

^۲ آرک داکتر حسین عبدالرحیم، مضامین سیاسی برین در عصر مشروطیت انتشارات - شگه، تهران، ۱۳۳۷

همه آویس به نیروهای سلامی رسیده‌اند و این باعث گردیده بود تا اختلافات در حاشیه قرار گیرد و سلب قدرت دقت بری کسب قدرت سیاسی جدید در اولویت باشد. با پیروزی انقلاب اسلامی اختلاف بین نیروهای موسوم به خط مده و جریان‌های غیردینی مثبت‌گرا و سوسیالیستی اولین جرقه‌های جدال بود که وفاق سابق به نفعی بی‌ظنیر تبدیل شد که حکایت از اعتقاد راسخ به تفهیم مصلحتی با رفیق دیروز و اصرار بر ایدئولوژی جدید در مقابل رقیب و دشمن امروز بود. حزب دمکرات کردستان، سازمان پیکار، راه کارگر، سازمان چریک‌های فدایی خلق و حزب توده راه خود را در پیوستن به اصالت سابق از ایدئولوژی عمومی و حتی می‌جدد کردند و مسرزه با خلق آغاز کردند. چندی بعد در دوره دولت موقت نیروهای ملی (بعضاً با گرایش دینی) او گروه موسوم به جناح نیرال، به تنش با گروه «خط امام» پرداختند و گستره نزاع بدانجا کشید تا چون نسخه‌های مارکسیستی و سوسیالیستی به جنگ مسلحانه در برابر «ملت» روی آوردند. با فرار بنی‌صدر، بخشی از نیروهای حامی وی و مجاهدین خلق به مثنی سرورستی روی آوردند و از خرداد سال ۱۳۶۰ رسماً وارد مرحله نظامی تا براندازی نظام حکومتی شدند. نهضت آزادی نیز ناگزیر به مبارزه سیاسی روی آورد. با این حال نخستین دوره مجلس شورای اسلامی (۱۳۵۹-۱۳۶۳) عرصه حضور جناح‌های مختلف سیاسی با تفوق ائتلاف نیروهای مسلمان پیرو خط امام بود.^۱

نگاه در این برهه از تاریخ معاصر ایران صلابت نیروهای مذهبی و تشتت و انشقاق مآبسی نیروهای غیردینی را نشان می‌دهد. ولی بین آفت دامان نیروهای مذهبی و وفادار به نظام راهم خواهد گرفت که در آینده بدین می‌پردزیم. قبل از آن در توضیح علت این نوع است اعتقادی نکات زیر قابل تفضیل است:

الف- تقدم موضع‌گیری سیاسی بر سوک ایدئولوژیکی حزب، در جریان‌های برهه‌ای که گذشته این موضوع در شکل کامل قبل مشاهده است. برای نیروهای ملی و کمونیستی در دست‌گیری قدرت جزء هدف تلقی می‌گردد و البته این جزء ایدئولوژی هر حزبی می‌باشد که در جهت صعود به قله قدرت به تک‌پو پیردازد. اما در رقابت برای قدرت می‌توان استخدام این اصل از ایدئولوژی حزب را در جهت تخریب سایر اصول حزب به راحتی کشف کرد و این به معنای تغییر تاکتیک تلقی می‌گردد و نه تعویض استراتژی. چرا که استراتژی حزب - در هر مرامی - رسیدن به قدرت سیاسی است و تا مادامی که بدان رسیده است قدرت جاری سایر اصول را نیز به دست نخواهد آورد. اگر جریان‌های اسلامی نیز در صدد باشد از طریق مرام حزبی حرکت کنند ناگزیر از چنین روشی برخوردار خواهند بود که با قداست ابزار و هدف لزوماً مضابقتی ندارد. چرا که ایدئولوژی اسلامی هدف تلقی می‌شود و حزب و قدرت سیاسی ابزار تکامل و وصول بدان. اما در مرام حزبی ایدئولوژی قوی‌ترین ابزاری را شامل می‌شود که توانایی دستیابی به قدرت سیاسی را سریع‌تر و آسان‌تر امکان‌پذیر سازد.

ب- تأثیرپذیری حزب از نوع شکاف اجتماعی. اگر شکاف‌های اجتماعی را اموری محدودتر از تعارضات اجتماعی بدانیم که نیروها و گروه‌های جامعه بر اساس علاقه خود، پیرامون آنها به وجود می‌آیند.^۲ در این صورت حزب به عنوان یک گروه اجتماعی باید تأثیر عمده را در ساخت ایدئولوژی خود حول یک شکاف فعال بنا نهاده باشد تا در تلاش برای بهینه کردن آن قدرت سیاسی به این بهانه به دست آورد. به عنوان مثال اگر حزب کمونیست در تلاش است تا شکاف‌های طبقاتی جامعه را با توزیع بهینه وسایل

^۱ فخری‌دین، صف‌های جناح‌های سیاسی در ایران، هفته - مه آن، ش ۶۵، ص ۹.

^۲ سارون، محدویت‌های اسلام، مؤسسه مطالعات بحیثی دوره مجلس شورای اسلامی، دو هفته - مه غیرمأشماره ۶۸، ص ۴.

^۳ نشریه بحیثی جمع‌شدن سیاسی، نشریه تهرانی، ۱۳۶۴، ص ۹۹.

تولید از بین ببرد. چنین اصلی با توجه به وضع جامعه جزء اصول ایدئولوژیکی آن حزب تلقی می‌شود. در حالی که در ایدئولوژی اسلامی شکاف‌ها عامل اکتساب بهترین اسلوب برای انتخاب و ارتقای ابزار نه ابتدای اهداف. به دیگر سخن هدف ایدئولوژی اسلامی محدود به دفع و حل شکاف اجتماعی نیست بلکه فراتر از اینها، رسیدن به هدف از گذار حل از بحران‌ها میسر می‌گردد.

ج- عمده ایدئولوژی حزب منحصر در مرحله سلبی است. هر حزب سیاسی برای وصول به قدرت دو مرحله «سلب» و «ایجاب» را طی می‌کند. از آنجا که از اهداف حزب کسب قدرت است عمده‌ترین ایدئولوژی حزب معطوف به طریق مبارز برای فاتح آمدن بر رقیب می‌باشد و لذا زمانی که به قدرت می‌رسند عملاً برای بقا برنامه‌ی جز دفع رقبا ندارند. حال آن‌که در ایدئولوژی اسلامی مرحله ایجاب بر مرحله سلب رجحان دارد و وجه سلبی صرفاً ابزاری برای اجرای اهداف در دوران اثبات تلقی می‌شود. با توجه به این مسائل روشن می‌شود که اگر تاکتیکی از سوی گروه‌های خط امام استخدام می‌شود باید در راستای استراتژی آرمانی اسلام باشد و وجود شکاف‌هایی چون، بی‌عدالتی، آزادیخواهی، جدال سنت و مدرنیته و جنبش سیاست‌زایی به دین‌زدایی نباید حربه‌ای برای کسب قدرت یا ایجاد ایدئولوژی مستحده که بر مبنای آن باشد. اما چنین امری به نظر می‌رسد رعایت نشده است. تاکنون بیش از سه تقسیم‌بندی به شیوه متفاوت از گروه‌های وفادار به انقلاب اسلامی ارائه شده است که حکایت از گرایش‌های متفاوت در نیروهای مسلمان دارد. با این تفاوت که اگر اختلاف «سیاسی» گروه‌های مذهبی و غیرمذهبی چون مارکسیست‌ها به نزاع «ایدئولوژیک» و سپس جنگ نظامی منجر شد. اختلاف نیروهای مذهبی عمدتاً منبعث از معیار سیاسی و نحوه مشی و برنامه‌ریزی اقتصادی بود که با توجه به شرایط سخت ناشی از جنگ و محاصره اقتصادی و درگیری‌های داخلی، برداشت‌های متفاوتی را از دین و احکام فقهی آن ناشی شده بود. لذا نیروهای پیرو خط امام در مرحله اثبات نظام - پس از دفع مخالفان - گرایش‌های متفاوتی یافتند. اختلاف در درون گروه‌های خط امام مثل مجاهدان انقلاب اسلامی و حزب جمهوری اسلامی به عرصه دولت و سایر نیروهای اجتماعی هم سرایت کرد و گروه‌های حامی سیاست دولت محور مهندس موسوی و منتقدان آن در دو طیف مختلف ظاهر شدند که در مجلس شورای اسلامی دوم (۱۳۶۳-۱۳۶۷) با تفوق جناح مخالف و در دوره سوم انتخابات مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۷-۱۳۷۱) با پیروزی چشمگیر طیف موافق با حمایت‌های امام (ره)، موجب تأسیس «مجمع روحانیون» گردید. که انشعابی از «روحانیت مبارز» تلقی می‌شد. پایان جنگ تحمیلی و در گذشت امام (ره)، بحران‌های اقتصادی و سقوط قیمت نفت، مصائبی بود که ناشی از ضعف مدیریت و سیاست‌های غلط جناح اکثریت مجلس سوم تعبیر شد و لذا در انتخابات چهارمین دوره مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۱-۱۳۷۵) روحانیت و گروه‌های حامی وی با وعده برنامه‌های جدید و اقتصاد بهتر توانستند روحانیون را به حاشیه سیاست برانند؛ این جناح و طیف‌های همفکر آن معتقدند که مکانیسم‌هایی چون نظارت استصوابی شورای نگهبان و صدا و سیما و برخی مراکز عمده تصمیم‌گیری باعث گردید تا در دوره پنجم (۱۳۷۵-۱۳۷۹) نیز روحانیت اکثریت نسبی مجلس را به دست آورد. اما ائتلاف دوم خرداد شکست سختی بود که نتیجه مدیریت ناکارآمد و علاقه‌مندی مردم به اصلاحات بیشتر را متبلور می‌ساخت.

۱ سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، عصر ما، ص ۲۸، ص ۵

۲ اعضای جبه سازمان در صمیم همسر و صیف حزب جمهوری قرار گرفتند و صف‌های راست هم داده شدند و در گروه چپ و راست ریخته شد

وجود ندارد. به عنوان مثال اگر مجاهدین انقلاب اسلامی تا قبل از این واقعه نیرویی تندرو به شمار می‌رفت اکنون گرایش به میانه‌روی یافته یا دفتر تحکیم وحدت و دانشجویان پیرو خط امام که سابقاً از گرایش رادیکالی و ضد غربی شدیدی برخوردار بودند اکنون در جهت هماهنگی با جبهه دوم خرداد به تمایلات اصلاح‌طلبانه (و بعضاً برخلاف سابق) روی آورده‌اند.

ب- تقسیم‌بندی دوم مربوط به سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی می‌باشد که شهرت بیشتری در داخل یافته است. از آنجا که جناح فوق به مباحث اقتصادی بیش از سیاسی اعتنا دارد تقسیم‌بندی ارائه شده نیز بیشتر از این نکته بررسی گردیده است. با این حال مجموعه گروه‌ها در چهار طیف مورد مطالعه قرار گرفته است و دو معیار عدالتخواهی و میزان آزادیخواهی عامل شکاف آنها تلقی می‌گردد. این تقسیم‌بندی که با عاریت گرفتن اصطلاح «چپ» و «راست» و «مدرن» و «سستی» به تحلیل می‌پردازد از ویژگی و وضعیت گروه‌ها در ایران نسبت به غرب غافل نیست. تصویر آن ما را در بررسی این دیدگاه بیشتر یاری می‌کند:

معیار	طیف	راست سستی	چپ سستی	راست مدرن	چپ مدرن
میزان عدالتخواهی	-	-	+	-	+
میزان آزادیخواهی	-	-	+	+	-

در این بیان «چپ» به جریانی اطلاق می‌شود که به تحولات سریع اجتماعی (چه از نوع انقلابی و چه از نوع اصلاح‌طلبانه) باور دارد. برای برابری اجتماعی اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل است. به دخالت بیشتر دولت در عرصه اقتصاد معتقد است و طالب استقلال بیشتری از ساختار اقتصادی و سیاسی حاکم بر نظام جهانی است. با این تعریف «مجاهدین انقلاب اسلامی» خود و «مجمع روحانیون» و دولت «مهندس موسوی» را در این جرگه قرار می‌دهد. بر این اساس «چپ مدرن» از بعد زمانی نوظهور است نه ماهیتی و طیفی هستند که در خلأ حضور روحانیون در مجلس چهارم توسط جناح راست ساخته شد که مشترکاتی با جناح راست سستی دارا بود. از آن به عنوان چپ «جدیدالولاده» یاد می‌شود. طیفی که در سه تقسیم‌بندی دیگر جایگاهی برای آن نمی‌توان یافت.

در مقابل معتقد است. «راست‌ها» کسانی هستند که معمولاً تفاوت‌های طبقاتی را به عنوان نظمی طبیعی بدیهی می‌انگارند. به سنت‌ها بها داده و نسبت به تغییرات اجتماعی، محافظه‌کاری پیشه می‌کنند. شعار اصلی‌شان عظمت‌طلبی ملی است و به دولت مقتدر بها می‌دهند. اما به حداقلی از دخالت آن در عرصه اقتصاد باور دارند. راست‌ها خود طیف رنگارنگی از میانه‌روان، محافظه‌کاران و فاشیست‌ها را تشکیل می‌دهند. با این وصف «جامعه روحانیت» به عنوان راست سستی به شدت مورد انتقاد این سازمان قرار دارد. «جمعیت مؤتلفه اسلامی» نیز دارنده این گرایش به حساب می‌آید. که هر دو پایگاه سستی بازار را نیز در اختیار دارند. از سال ۱۳۶۸ و پایان یافتن جنگ تحمیلی و فوت امام (ره) صف‌بندی جدیدی در این جناح به وجود آمد. طیف جدید «راست مدرن» نام داشت که با هدایت آقای هاشمی رفسنجانی قوام یافت. لذا در مجلس چهارم با ائتلاف این دو جناح و چپ جدید، اکثریت را به دست آوردند. البته در

1 Walter Laqueur (ed) A Dictionary of politics. Pan Books LTD. London.

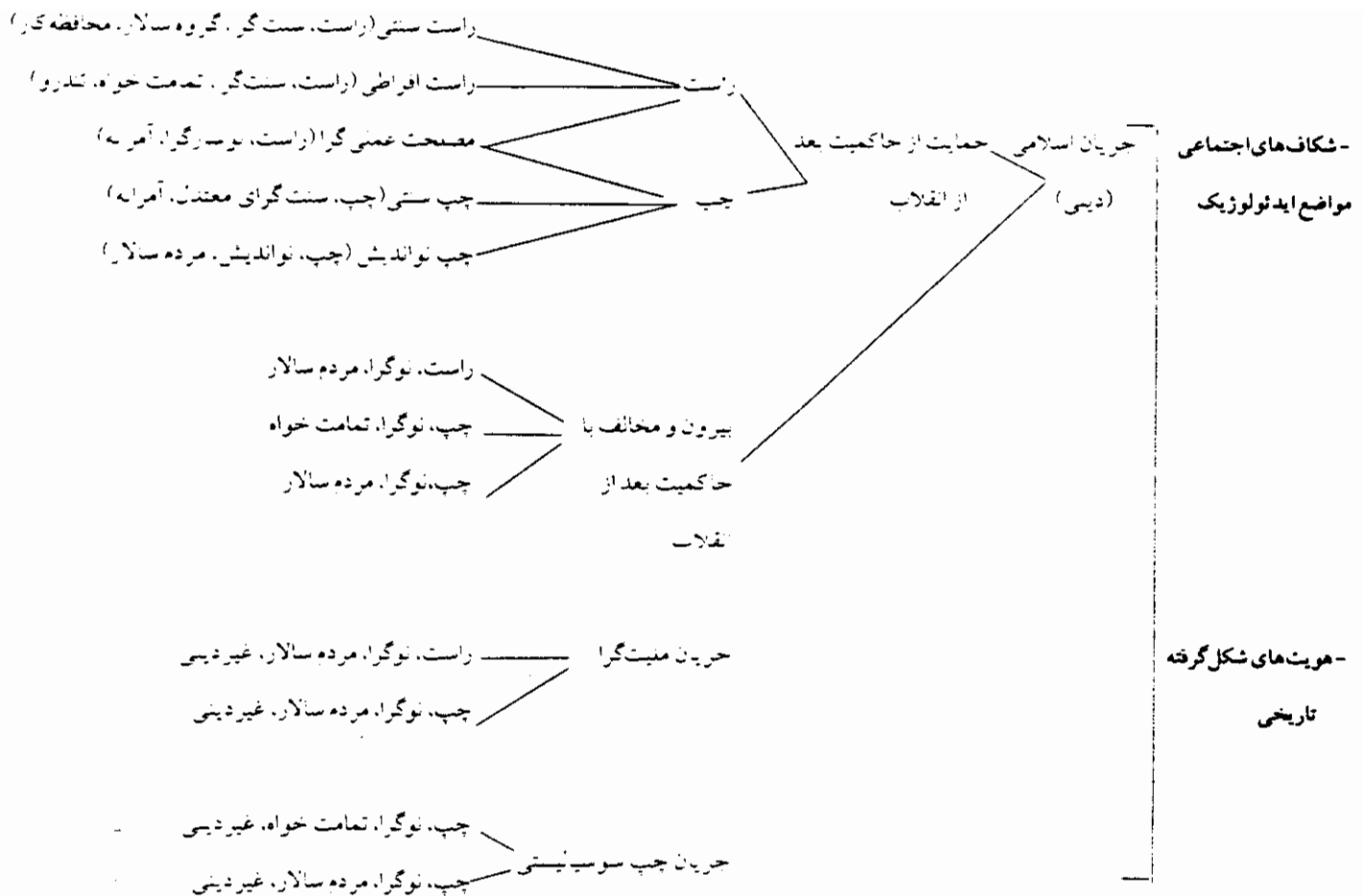
* دو هفته نامه عصر دانش، ص ۱.

نتخابات مجلس بجمه شکاف در راست عمیق تر شد و راست مدرن مستقلاً وارد صحنه شد و با عنوان کارگزاران سازندگی، راهی مجلس شد که در انتخابات خرداد ۱۳۷۶ در کنار جناح‌های چپ قرار گرفت.

بن تقسیم بندی از سال ۱۳۷۴ تا به امروز در معرض نقد و انتقادهای جدی قرار گرفته است. از جمله آن را عدم تفرقه و منبعت از مارکسیسم دانسته‌اند. برخی نوع تقسیم بندی را غیر منصفانه و ناآگاهانه می‌دانند و -لاخره- دسته‌ی آن را غیر علمی تصور کرده‌اند که در سه وادی شکل غیر شفاف، در محتوا، -مفهوم و در مصداق دچار اشتباه است. ^۱ با این وجود تقسیم بندی فوق از ابتکار و نوآوری خوبی برخوردار است.

ج- تقسیم بندی سوه را آقای عنوی تبار ارائه نموده‌اند. به گمان وی برای طبقه بندی جریان‌های فکری سیاسی موجود در ایران امروز باید به طور تنقیحی از سه معیار استفاده کنیم که شامل: ۱- هویت تاریخی؛ ۲- یدئولوژی؛ ۳- الگوی رفتاری که شامل میزان سازمان یافتگی و روش‌هاست و چهار شکاف در تاریخ معاصر ایران وجود دارد که مواضع ایدئولوژیک گروه‌ها را می‌توان در ارتباط با آنها مطرح کرد: ۱- حکومت و سیاست دینی با حکومت و سیاست دنیوی یا لائیک؛ ۲- سنت گرایی و نوگرایی؛ ۳- چپ گرایی و راست گرایی؛ ۴- مرده سالاری یا آمرانه حکومتی و لذا تصویری که از اجتماع ارائه می‌دهد این گونه است:

۱- انجمن‌های فکری، هفته نامه صبح، ش ۳۳
۲- روزنامه سلامت، ش ۲۱۳۵، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳، ۱۴۰۴، ۱۴۰۵، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۲، ۱۴



براساس نمودار فوق جریان‌های اسلامی پس از انقلاب را می‌توان این گونه توضیح داد:

معیار	طیف	راست سنتی	چپ سنتی	راست افراطی	چپ نواندیش	مصلحت‌گرا
حکومت	آمرانه	آمرانه	آمرانه (همه‌پرسی)	توانمیز	مردم‌سالار	آمرانه (دیوانسالاری)
مشارکت	الیگارشی	عموم	تمامت خواه	گسترده	محدود	محدود
رقابت	گروه سالار	محدود	-	گسترده	محدود	محدود
سیاست اجتماعی و فرهنگی	محافظه کارستی	معتدل	تندرو	اصلاح طلب	راست‌گراستوگر	
اعضا و افراد برجسته در آن	تشکل‌های همسو هیئت مؤتلفه	محتشمی، مهندس موسوی، جامعه اسلامی مدرسین، معتمدین و پزشکان عصر ما و سلام ^۵	اعضای کیهان، صبح، جمعیت دفاع از ارزش‌ها	حائمی، عدوی، حجاریان، دفتر تحکیم عصر ما و سلام ^۵	کارگزاران سازندگی	

^۵ معاهدین انقلاب اسلامی عصر ما و سلام همپوشان چپ سنتی و چپ نواندیش هستند و حزب مشارکت اسلامی آمیزه‌ای از این دو تعریف است.

^۱ این طرح تقسیم‌بندی با استفاده از گفتار و طرح عمود بر مندرج شده و بی‌شکاف بوده است.

بر اساس این تقسیم‌بندی جریان‌های غیر قانونی چون جریان منی مذهبی، جریان چپ نوگرایی مردم سالار است که مهندس سبحانی و دوستانش، نهضت مجاهدین خلق و مهندس مبشمی در این دسته قرار می‌گیرند. البته یک جریان نوگرای تعمیم‌خواه نیز در دل اینها وجود دارد که تجسم آن سازمان مجاهدین خلق منافقین او آرمان مستضعفین یا پیشگامان مستضعفین است که گرچه چپ هستند ولی توانا ترند.^۱ جمعیت دفاع از ارزش‌ها نیز به لحاظ ایدئولوژیک راست تندرو محسوب می‌شود اما در عمل و مشی استفاده از خشونت را محرمانه می‌داند و در مقابل، بخشی از انصار حزب... از لحاظ مواضع فکری راست تندرو محسوب می‌شوند ولی به لحاظ الگوی رفتاری از خشونت سود می‌برند. لذا یک شاخه از راست سنتی از روش‌های غیر قانونی خشونت استفاده نمی‌کند و بخش دیگر آن راه کار می‌گیرد.^۲ در مجموع پس از خرداد دوم خرداد بار دیگر شاهد هستیم که مواضع جناح‌ها در اکثر موارد دگرگون شده است. به طوری که ایجاد فلبی واحد برای ارزیابی آنها بسیار دشوار به نظر می‌رسد. اگر پیام دوم خرداد را ایجاد جامعه مدنی و گفتگوی تمدن‌ها بدانیم با دو گرایش عمده مواجه خواهیم شد:

الف- گروه نخست را مخالفان مشارکت گسترده و جامعه مدنی در مفهوم عام آن می‌توان دانست. اینان که زمانی متبینه داشتن اسلام آمریکایی بوده‌اند، اکنون سرسخت‌ترین مواضع را در مخالفت با از سرگیری رابطه با آمریکا دارند و به همین سبب مخالف گفتگوی تمدن‌ها هستند و آن را نوعی سازش با جهان غرب تلقی می‌کنند. به نظر می‌رسد این تغییر موضع بیش از آن که ناشی از یک استراتژی باشد یک تاکتیک موقت است که با توجه به نفی مطلق هرگونه رابطه با ایالات متحده از سوی رهبر معظم انقلاب، این طیف در تضعیف جناح مقابل به این حربه تمسک جسته‌اند. از نظر این گروه نظارت استصوابی در راستای تحکیم نفوذ ولایت مطلقه فقیه امری اساسی می‌باشد و مشارکت عامه مردم صرفاً جنبه تأییدی می‌پذیرد و قدرت تعیین در برابر خواسته رهبری را ندارد. بعضاً تأکید افراطی برخی از جناح‌های این گروه بر مطلقه بودن ولایت فقیه باعث گردیده تا این مسئله مخالف حق مشارکت و انتخاب مردم تلقی شود و جناح رقیب این گروه فاشیست و انحصار طلب نماید.

ب- از طرف دیگر گروه‌های پیر و خط امام و دانشجویان این طیف فکری پس از دوم خرداد به مخالفت با جناح اطلاقه طب از تعامی شعارهای ریاست جمهوری استقبال کرده و آن را ناهماهنگ با استراتژی سابق خود نیافته‌اند. به نظر می‌رسد بیش از آن که هدف اصرار بر اصول فکری مشخص باشد هدف حذف جناح رقیب است. البته این رویه نیز از مشخصه‌های احزاب در ایران است که رقابت سالم را به ستیزه و حذف کامل رقیب تعبیر می‌کنند. در هر صورت این گروه با شعار آزادی بیان و مشارکت عموم، جامعه مدنی و خواسته‌های مردمی، گفتگو با آمریکا و غرب و تجربه تنش زدایی از حامیان اصلی گفتگوی تمدن‌ها و حذف نظارت استصوابی، ادواری کردن رهبری و تقسیم کامل قدرت و... به شمار می‌روند. با اندک تسامحی سه گروه زیر به این شیوه قابل تقسیم هستند:

- ۱- جامعه روحانیت، هیئت مؤتلفه اسلامی، انصار حزب ا...، جامعه اسلامی مهندسين، جامعه زينب؛
 - ۲- مجمع روحانيون، کارگزاران سازندگی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، نهضت آزادی، حزب مشارکت، حزب همبستگی، دفتر تحکیم وحدت، جامعه اسلامی زنان؛
 - ۳- جمعیت دفاع از ارزش‌ها، خانه کارگر، جمعیت فداییان اسلام.
- که گروه اخیر را می‌توان طیف در نوسان نامید.

۱- نظر عمومی جامعه ایران چون دین مستوری بر هموست می‌رجع سنتی و جب وادیش است که در مسائل اقتصادی - اجتماعی مواضع چپ را در برود در مردان سنت و روحانیان چپ به هم می‌آیند و به کار خویش و از نظر حکومتی در حال وضع گرفتن را مرتبه به سوی مردم سالاری هستند.

۲- از آن عمومی بر حسب حدیث از... مصلح بر روی... ۱۳۷۱۲۲ ص ۶

نام تشکل سیاسی فعال	تاریخ صدور پروانه	نام اعضای مؤسس	لوگتف	صاحب امتیاز	مدیر مسئول	دبیر کل	توضیحات
۱ سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی	۱۳۷۰/۷/۱۰	محمد سلامتی - بهزاد نبوی - حسین صادقی	دو هفته نامه «عصر ما»	سازمان...	محمد سلامتی	محمد سلامتی	این افراد با گرایش «چپ» از اعضای سازمانی هستند که به همین نام در سال ۱۳۵۸ اعلام موجودیت کرد و در سال ۱۳۶۴ منحل شد.
۲ مجمع روحانیون مبارز تهران	۱۳۶۸/۴/۱۲	مهدی کروبی، سیدعلی اکبر محتشمی پور، عبد... نوری، موسوی لاری عبدالواحد، مجید انصاری، اسدا... بیات، سیدهادی خامنه‌ای، رسول منتخب‌نیا، صادق خلخالی، سید محمود دعایی، سید محمدرضا توسلی	روزنامه «سلام»	خونینی	خونینی	مهدی کروبی	این مجمع با گرایش «چپ» شاخه‌ای بود که از جامعه روحانیت جدا گردید. روزنامه جهان اسلام به این جناح گرایش دارد (با مدیر مسئول هادی خامنه‌ای)
۳ جامعه روحانیت مبارز تهران	—	مهدوی کنی، ناطق نوری، امامی کاشانی، محمد یزدی...	روزنامه «رسالت»	بنیاد رسالت	مرتضی نبوی	امامی کاشانی	این گروه با این تلقی که روحانیت پدر مردم است، خود را شایسته در محدوده قراز دادن نمی‌داند و لذا خود را بی‌نیاز از مجوز می‌داند، سابقه این تشکل به قبل از انقلاب باز می‌گردد. ماهنامه صبح و روزنامه کیهان دارای این گرایش
۴ جمعیت مؤلفه اسلامی	۱۳۶۹/۹/۲۱	حسین... عسکراولادی، اسدا... بادامچیان، سیداصغر رخ صفت	هفته‌نامه «شما»	جمعیت مؤلفه اسلامی	اسدا... بادامچیان	حسین... عسکراولادی	سابقه تأسیس این تشکل به سال ۱۳۴۲ باز می‌گردد.
۵ جامعه روحان انقلاب اسلامی	۱۳۷۱/۹/۲	اعظم علانی طالقانی، بدرالملوک امام، پروین دخت دفتر	هفته‌نامه «پیام هاجر»	اعظم طالقانی	اعظم طالقانی	اعظم طالقانی	مرامنامه و اهداف آن در فصلنامه پیام هاجر شماره ۲۶۳ بهار ۱۳۷۴، آمده است از طیف «مخالف» راست سستی تلقی می‌گردد
۶ جامعه اسلامی مهدسین	۱۳۷۰/۳/۸	حسین غفوری فرد، محمدرضا باهنر، سیدمحسن بههر، سیدمرتضی نبوی، سیدمجتبی شهره هاشمی، غلامحسین امیری	هفته‌نامه «جام»	جامعه اسلامی مهندسین	محمدرضا باهنر	—	این هفته‌نامه گرایش هماهنگی با روحانیت دارد

نام تشکل سیاسی فعال	تاریخ صدور پروانه	نام اعضای مؤسس	ارگلیف	صاحب امتیاز	مدیر مسئول	دبیر کل	توضیحات
کارگران سازندگی	—	غلامحسین کرباسچی، عطاءالله مهاجرانی، معین، فائزه هاشمی	روزنامه «زن»	فائزه هاشمی	فائزه هاشمی	غلامحسین کرباسچی	این گروه با هدایت آقای رفسنجانی در جریان انتخابات پنجم مجلس از روحانیت جدا شد و در جریان دوم خبر داد در طیف این جنبه درآمد و اخیراً از این جنبه جدا شد. روحانیت است و پروانه «خبر داد» دارای این تراش
جنبه مشارکت ایران اسلامی	۱۳۷۷/۱۲/۱	سید محمد رضا خاتمی، سعید حجاریان، عبدی عباس...	هفته نامه «مشارکت»	سید محمد رضا خاتمی	سید محمد رضا خاتمی	سید خاتمی	این حزب پس از کسوف کبری تشکیل گردید. این حزب دوم خبر داد ایجاد شده شامل اعضای ستاد تبلیغاتی آقای خاتمی (رئیس جمهور) و نزدیکان وی هستند.
جمعیت دفاع از ارزش های انقلاب اسلامی	۱۳۷۶/۷/۲۳	محمد محمدی نیک، سید علی غیوری نجف آبادی، سید علی اکبر ابوترابی، علی رازینی، روح... حسینیان، احمد پورنجاتی، محمد شریعتمداری، محمد صادق عرب نیایا، محسن سلطانی شیرازی	هفته نامه «ارزش های»	جمعیت...	احمد پورنجاتی	محمد محمدی نیک ری شهری	کمیته سیاسی این تشکل اخیراً با اسناد به برخی مشکلات فعالیت خود را متوقف نموده است
بهمن آزادی ایران	—	ابراهیم یردنی، نوشی اشغوری، علی، سیا علوی تبار...	ماهنامه «ایران مرداد»	عزیزالله سجانی	عزیزالله سجانی	ابراهیم یردنی	سجانی بوده و عضو این تشکل هم بود. این تشکل غیر قانونی است با این حال در طیف حامی دوم خبر داد اخیراً فعالیت دستبردهای را آغاز کرده و برای انتخابات شوراهای ناایستادها هم معرفی کرده که اعظم طالقانی و عبدالقوی هم در آن قرار دارند.
مجمع نیروهای خط امام	—	سیدهادی خامنه‌ای، رحمت... حسروی، احمد حکیم پور	روزنامه «جهان اسلام»	هادی خامنه‌ای	هادی خامنه‌ای	هادی خامنه‌ای	

نام تشکل سیاسی فعال	تاریخ صدور پروانه	نام اعضای مؤسس	ارگانیف	صاحب امتیاز	مدیر مسئول	دبیر کل	توضیحات
۱۲ حزب همبستگی ایران اسلامی	۱۳۷۷:۴/۲۰	محمد رضا راه چمنی، سید محمود میر لوحی، غلامرضا انصاری، محمد رضا خیابز، قدرت... نظری نیا، علی اصغر احمدی، غلامحیدر ابراهیمبای سلامی، سید محمد هاشمی، قربانعلی قندهاری، سید ولی... توکلی.					
۱۳ انجمن اسلامی پزشکان	۱۳۷۱:۱۱/۱	علی اکبر ولایتی، عباس شیبانی، دکتر شهرزاد، وحید دستجردی، شهابالدین صدر					
۱۴ جامعه اسلامی دانشکاهیان ایران	۱۳۷۲:۹/۱۰	علی عباسپور، سید مصطفی میر سلیم، عباس شیبانی، رضا مکنون، کریم رازع					
۱۵ خانه کارگر جمهوری اسلامی ایران	۱۳۷۰:۱۰/۵	علی رضا محجوب، حسین کمالی، علی ربیعی، حسن صادقی، رضا محمدولی، محمد دانشور، اسرافیل عبادتی، محمود اسدی					
۱۶ جامعه زینب (س)	۱۳۷۰:۸/۲۰	مریم زعفرانی بهروزی، منیره نوبخت، نفیسه فیاض بخش، پروین سلیمی، شمسی معتمدی، اعظم توشه گل، ناهید اعظم رام پناهی، معصومه رضایی نظری					
۱۷ انجمن اسلامی مهندسان ایران	۱۳۷۰:۷/۱۰	رحمقا... خسروی، محمد رضا بهزادیان، علی محمد احمدی، سید حسن الحسینی، کریم ملک آسا، احمد کبیری، محسن نریمان، محمد قعی					
۱۸ انجمن اسلامی معلمان ایران	۱۳۷۰:۱/۲۱	مرتضی کتیرایی، اصغر نوروزی، موحد نیا، عباس دوزدوزانی، گوهر الشریعه دستغیب					

نام تشکل سیاسی فعال	تاریخ صدور پروانه	نام اعضای مؤسس	ارگلیف	صاحب امتیاز	مدیر مسئول	دبیر کل	توضیحات
۱۹ جمعیت فداییان اسلام	۱۳۶۸ ۴ ۱۲	محمد مهدی عبدخدایی، محمد علی لوسانی، سید محمد میر داماد، اصفهانی، محمد رضا نیک نام امینی، اصغر عمری و ...					
۲۰ انصار حزب الله	—	مسعود دهنه کی	بالتارات الحسین	انصار حزب الله	—		هفته نامه «سلامچه» سابق و روزنامه «جنبه» با جرایش به طیف «انصار» و «حماس» نام کرده هستند.
۲۱ اتحادیه های انجمن اسلامي دانشجویان (دفتر حکیم وحدت)	—	عباس عبدی، ابراهیم اصغرزاده					این گروه از دانشجویان به رهبری و خط امام و سحر دینداران لانه جاسوسی امریکا هستند که پس از حماسه دوم خرداد شرکت میانه رو شده اند و با حمایت از نشریه های «نوس»، «جامعه»، «راه نو»، «تفکر نو» و بعضاً «کیان»، عملاً به جناح رادیکال اصلاح طلب پیوسته اند از مواضع ضد امریکایی گشته بزرگ عدول کرده اند.

ه گذری بر حزب گرایی و....»

تحقیق خوب و جامعی بود که نکاتی را لازم به ذکر دانستم و ذیلاً به آن اشاره می‌کنم. البته این نکات که احتمالاً در اثر سرعت کار یا مشغله فکری به وجود آمده. صرفاً با کمی دقت و در جهت بهبود سطح کیفی تحقیق مزبور ارائه می‌گردد و الا بنده هیچ نظر خاصی نسبت به مطالب ذکر شده ندارم.

الف - بخش نظری تحقیق

تعاریف ارائه شده به نظر صرفاً نظری می‌باشد یعنی آنچه که یک حزب باید باشد، بهتر است تعریفی عملیاتی نیز ارائه شود یعنی آنچه از حزب مورد نظر نویسنده است و یک حزب در وضعیت کنونی می‌تواند باشد.

در راستای تعریف حزب و تحزب مناسب بود که ابتدا تعریفی هر چند مختصر از جامعه مدنی ارائه شود. نگاه حزب را در قالب این تعریف و به عنوان یکی از نهادهای مدنی، حزب و تحزب تعریف می‌شد که در این صورت تعاریف ملموس‌تر و قابل فهم‌تر بود.

اشاره‌ای هر چند کوتاه به کارکرد عملی احزاب به وضوح مطالب ارائه شده کمک زیادی می‌کرد. مثلاً در جایی که به نظام حزبی در ایالات متحده امریکا یا انگلستان اشاره شده است می‌توانستید به برخی از فعالیت‌هایی که احزاب حاکم و رقیب در ساختار حکومتی اعمال می‌کنند از جمله سیستم Check & Balance یعنی نظارت و کنترلی که این گروه از احزاب بر عملکرد یکدیگر دارند، ضرورت وجود احزاب در نظام سیاسی را عینیت ببخشید و چند مورد دیگر.

اشکالی که در ارائه آدرس منابع در پاورقی‌ها دیده می‌شود، از جمله استاندارد نبودن نحوه آدرس دادن یا تکرار کامل برخی از آدرس‌هایی که قبلاً به آن اشاره شده، عدم ذکر ناشر و یا تاریخ و...

ص ۱۵: پاراگراف آخر «حزب محافظه کار انگلیس از لحاظ سازمان بندی به صورت وزارتخانه‌ای مستقل می‌باشد...» این امر نوعی تشبیه است برای نشان دادن سازمان قوی حزبی یا این که واقعاً این حزب به عنوان یک وزارتخانه در ساختار دولت مطرح می‌باشد.

ص ۱۶: پاراگراف دوم «... و از سال ۱۸۲۸ به بعد عنوان در دمکرات برای مسجل شد...».

عبارت واضح نیست.

و در نهایت لازم به ذکر است از آنجایی که موضوع تحقیق بحث احزاب و تحزب است، بخش اول تحقیق به بررسی نظری این مبحث می‌پردازد و بخش دوم نگاهی است به فعالیت‌های گروه‌های سیاسی، اما نحوه ورود از بخش اول به بخش دوم چندان پخته نیست. همان‌طور که خود بهتر می‌دانید، فعالیت سیاسی پس از انقلاب عمدتاً به واسطه سابقه بدی که از احزاب وجود داشته در قالب طیف‌ها و گروه‌های سیاسی و به طور معدود در قالب حزب بوده است. لذا مناسب بود برای خروج از بخش اول و ورود به بخش دوم به میزان کافی به عنل فعالیت سیاسی افراد در قالب گروه‌ها و جناح‌های سیاسی و نه احزاب اشاره می‌کردید.

ب - فعالیت جناح‌ها و گروه‌های سیاسی

ص ۳۰: پاراگراف آخر:

در پاسخ به عدم شفافیتی که در عملکرد برخی گروه‌های جناح چپ همچون سازمان مجاهدان انقلاب اسلامی و دفتر تحکیم وحدت در جریان دوم خرداد مطرح شده است، ذکر این نکته ضروری است که پس از شکست سنگین جناح چپ در انتخابات مجلس چهارم و کناره‌گیری وسیع نیروهای این طیف از مراکز

قدرت و در پیش گرفتن سیاست انزوا، نیروهای اندیشمندان این طیف همچون ارگان‌های فوق‌الذکر، با بررسی عملکرد گذشته خود و بررسی علل شکست‌شان (برخی از این علل درونی و ناشی از سیاست‌های غلط و برخی دیگر تحمیل شده از سوی جناح پیروز و در اثر جوسازی بود) دست به اصلاحاتی متناسب با فضای جامعه زدند. (عملی که شایسته بود جناح راست نیز پس از شکست در انتخابات ریاست جمهوری انجام می‌داد). در گذشته جناح چپ متناسب با فضای جامعه که متأثر از روحیه انقلابی دوره انقلاب و جنگ بود، خط مشی رادیکال و انقلابی در پیش گرفته بود که مقبولیت مردمی را نیز در پی داشت. اما پس از گذشت دوره فترت و انزوا، با فراهم شدن فضا و پیدایش زمینه‌های ثبات نظام و توسعه سیاسی، فضای جامعه در جهت انجام اصلاحات در حرکت بود. لذا بخشی از طیف چپ که می‌توان آن را چپ‌نواندیش نامید. (این طیف اقدام به یادگیری از عناصر همفکر خود در جناح چپ و در قالب حزب جبهه مشارکت ایران اسلامی کرده است که به لحاظ فکری نزدیکی زیادی با اندیشه آقای خاتمی دارند) در جریان دوم خرداد با درک فضای جامعه، سی در جهت دادن به اذهان عمومی و در جهت اقدامات اصلاحی داشتند که تا حد زیادی نیز موفق شدند لذا عدم شفافیتی در عملکرد این جناح مشاهده نمی‌شود.

ص ۳۱ پاراگراف اول

تقسیم‌بندی ارائه شده از سوی سازمان مجاهدان صرفاً مبنای اقتصادی ندارد. چرا که بر این اساس تقسیم‌بندی طیفی به نام «چپ جدید» که مبنای اقتصادی مشخصی ندارد، امکان‌پذیر نبود. تقسیم‌بندی بر مبنای مواضع اقتصادی صرف مربوط به تقسیم‌بندی جناح‌های سیاسی به «چپ» و «راست» و در دوره نخست وزیری مهندس موسوی و اختلافات دو جناح روحانی در حمایت و مخالفت از سیاست‌های اقتصادی زمان جنگ ایشان است. همان‌طور که اشاره شده، تقسیم‌بندی سازمان مجاهدان... عمدتاً حول محورهای آزادی‌خواهی و عدالتخواهی می‌باشد هر چند گرایش‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی این جناح‌ها نیز دخیل در نحوه تقسیم‌بندی هستند.

ص ۳۱

در ارائه تقسیم‌بندی مورد نظر سازمان مجاهدان در جدول و متن توضیحی از عبارت «چپ سستی» و «چپ مدرن» استفاده شده است. لازم به ذکر است که صفات «سستی» و «مدرن» برای انواع «چپ» هیچگاه در تقسیم‌بندی‌های ارائه شده از سوی سازمان مجاهدان - چه در دو هفته‌نامه عصر ما و چه در مصاحبه‌های محسن آرمین با روزنامه صبح امروز مورخه دوشنبه و سه‌شنبه ۱۲/۱۰ و ۱۲/۱۱ مورد استفاده قرار نگرفته است. آنچه که در تقسیم‌بندی سازمان مجاهدین به جای این عبارات استفاده می‌شود عبارتند از: «چپ» و «چپ جدید».

مناسب بود که اشاره‌ای به وجوه تمایز میان تقسیم‌بندی سازمان مجاهدان... و تقسیم‌بندی ارائه شده از سوی علیرضا علوی تبار می‌شد.

ص - ۳۱

ارائه تعریف از «راست» با تلفیق تعریف ارائه شده از سوی سازمان مجاهدان... و یک منبع خارجی چندان صحیح نمی‌باشد. چرا که لزوماً مفاهیم ارائه شده از راست و چپ از مسئولین سازمان انطباقی با مفاهیم بین‌المللی و جهانی آن ندارد.

در جدول ارائه شده، در بخش مربوط به «اعضا و افراد برجسته چپ سنتی» در عنوان برخی از گروه‌هایی که تحت عنوان ائتلاف گروه‌های خط امام «جناح چپ» فعالیت می‌کنند، همچون انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها «انجمن اسلامی معلمان» و «انجمن اسلامی جامعه پزشکی ایران» از عبارت «جامعه اسلامی» استفاده شده که صحیح نیست. چرا که عمدتاً گروه‌های جناح چپ از عنوان «انجمن اسلامی...» (معلمان مدرسین، دانشگاه‌ها، مهندسان، دانشجویان و جامعه پزشکی) استفاده می‌کنند و متقابلاً تشکل‌های همسوی با جامعه روحانیت در جناح راست سنتی از عنوان «جامعه اسلامی...» (کارگران، کارمندان، دانشجویان و...) استفاده می‌کنند. احتمالاً تنها در یک مورد یعنی «اصناف و بازار» که در زمره تشکل‌های همسوی با روحانیت مبارز است آن هم به واسطه قدمت آن از عنوان «انجمن اسلامی» استفاده می‌شود.

ص ۳۴ پاراگراف آخر

تقسیم‌بندی نهایی دارای اشکال است. دسته اول که می‌توان آن را ائتلاف جناح «راست سنتی» و «چپ جدید» (به تعبیری راست افراطی) نامید، با محوریت «جامعه روحانیت مبارز» و تشکل‌های همسوی با آن یعنی هیئت مؤتلفه اسلامی و جامعه‌های اسلامی و مصادیق جناح «چپ جدید» یعنی جمعیت دفاع از ارزش‌ها، انصار حزب... و نشریات کیهان، صبح و جبهه (شلمچه سابق) فعال هستند.

دسته دوم یا ائتلاف دوم خرداد یعنی ائتلاف گروه‌های جناح «چپ»، «راست مدرن» و برخی از گروه‌های ملی - مذهبی و دگراندیش یعنی مجمع روحانیون مبارز، ائتلاف گروه‌های خط امام (دفتر تحکیم وحدت، سازمان مجاهدان انقلاب اسلامی و انجمن‌های اسلامی) به همراه حزب کارگزاران سازندگی و احزاب جبهه مشارکت ایران اسلامی و حزب همبستگی ایران اسلامی و گروه‌های مذهبی ملی همچون نهضت آزادی و... اما در مورد سه گروهی که به عنوان طیف در نوسان مطرح شده‌اند باید گفت: خانه کارگر از متحدان سنتی جناح چپ است که البته در اعلام مواضع کمی غیر شفاف و محافظه کار عمل می‌کند. جمعیت دفاع از ارزش‌ها نیز همان‌طور که اشاره شد از جمله مهم‌ترین گروه‌های چپ جدید و فعلاً هماهنگ با راست سنتی است و فعالیت جدی گروهی موسوم به جمعیت فدائیان اسلام مبهم و مورد تردید است.

- همچنین در دسته دوم از «جامعه اسلامی زنان» نام برده شده است، تاجایی که اطلاع دارم دو تشکل «جمعیت زنان جمهوری اسلامی» و اخیراً «مجمع اسلامی بانوان» به عنوان همفکر با جناح چپ مطرح می‌باشند و در جناح راست سنتی نیز «جامعه زینب (س)» و در مقطع انتخابات ریاست جمهوری در جمعیت زنان انقلاب اسلامی» در برابر تشکل دست چپی فعال شدند که فعالیت فعلی آن مورد تردید است.

جدول ص ۳۵

ردیف دوم؛ در مورد اعضای مؤسس مجمع روحانیون مبارز، عضویت آقایان عبدا... نوری و سید هادی خامنه‌ای به شدت مورد تردید است. عبدا... نوری در آستانه انتخابات مجلس پنجم طی مصاحبه‌ای عضویت خود در مجموع روحانیون را تکذیب کرد هر چند اعلام کرد که از نظر فکری قرابت زیادی با این گروه دارد (در برخی محافل نیز از او به عنوان یک عنصر کارگزارانی نام برده می‌شود). همچنین سید هادی خامنه‌ای در سخنرانی اعتراض آمیز دفتر تحکیم وحدت نسبت به رد صلاحیت عده‌ای از کاندیداها در انتخابات خبرگان، معرفی ایشان به عنوان عضو مجمع روحانیون مبارز را رد کرد. همچنین طبق آیین‌نامه داخلی مجمع روحانیون مبارز، اعضای آن مجمع حق عضویت در دیگر گروه‌ها و تشکلات را ندارند. لذا هیچ عضوی از

این گروه نتوانست در حیطه مشارکت حضور داشته باشد. اما سیدهادی خامنه‌ای رأساً اقدام به تشکیل در مجمع نیروهای خط مده کرد.

- عضویت‌های سید محمود داعی نیز مورد تردید است گرچه به نظر می‌رسد عضویت داشته باشد.

- نام موسوی حوینی‌ها به عنوان عضو ذکر نشده و در قسمت مدیر مسئولی روزنامه سلام به صورت ناقص آمده است.

- آیت ... محمدرضا توسی، سید نیست.

- ز دیگر عضی که نامشان در نیست به‌مده می‌توان به سیدمحمد خاتمی و امه جمارانی اشاره کرد.

ردیف سوم؛ در بحث توضیحات جامعه روحانیت مبارز ماهنامه «صبح» و روزنامه «کیهان» هم‌گرایش با جامعه روحانیت مبارز و به تعبیری راست سنی قرار گرفته است که در اصل باید گفت که این دو نشریه از مصدق گروه‌های جنب جدید و به تعبیر دیگر «راست فراطی» محسوب می‌شوند که در مقطع فعلی با راست سنی هماهنگ عمل می‌کنند.

ردیف هفتم؛ در قسمت اعضای مؤسس حزب کارگزاران سازندگی نام دکتر معین هم ذکر شده که صحیح نیست. دکتر معین همواره به عنوان یکی از چهره‌های جنب روشنفکر مطرح بوده است. متقابلاً می‌توان به دیگر اعضای این گروه یعنی دکتر نوربخش، دکتر نجفی، مهندس هاشمی صبا و مهندس مرعشی اشاره کرد. ردیف دهم؛ در قسمت اعضای مؤسس نهضت آزادی ایران، ابتدا لازم به ذکر است که عضویت دکتر علیرضا عموی تبار؛ مورد تردید است. تأییدگر منظور اعضای مؤسس باشد. بنیان‌گذاران این نهضت را می‌توان مرحوم مهندس بازرگان و مرحوم آیت ... طالقانی دانست. لازم به ذکر است تا اوایل انقلاب مرحوم شهیدرجایی و دکتر شیبانی نیز از اعضای آن محسوب می‌شدند.

- در قسمت توضیحات در نیست انتخابات شوراهای منسوب به نهضت آزادی. نام خانم اعظم طالقانی وجود نداشت چرا که رد صلاحیت شده بود بلکه نام خانم دکتر ترگس طالقانی وجود داشت. هرچند که نزدیکی فکری بسیار زیاد خانم اعظم طالقانی با این گروه غیر قابل انکار است اما ایشان عضویتی نیز در گروه مزبور ندارد.

جهت تکمیل جدول مورد نظر

- مناسب بود که از دیگر گروه‌های می - مذهبی (هرچند که چندان فعال نیستند) نیز نام برده شود مثل حزب مست ایران؛

- جنبش دانشجویی کشور نقش بسیار مهمی در فضای سیاسی کشور چه در گذشته (پیش از انقلاب و در دوران انقلاب) و چه در زمان حال ایفا کرده و می‌کند. هرچند از گذشته تا چند سال اخیر دفتر تحکیم وحدت به عنوان یگانه نماینده این جنبش مطرح بوده است و در حال حاضر نیز از پایگاه وسیع و مقبولیت زیاد در میان دانشجویان برخوردار است. اما با پذیرش تکثر سیاسی فضا برای فعالیت دیگر گرایش‌های دانشجویی فراهم شده است؛

- لذا بهتر است از جامعه اسلامی دانشجویان، از تشکل‌های همسوی با روحانیت مبارز نیز نام برده شود.

- همچنین اشاره‌ای به اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویی (شاخه صبرزدی) که در ابتدا با شعار امام خامنه‌ای شروع به فعالیت کرده و اخیراً گرایش شدیدی به تفکرات نهضت آزادی پیدا کرده است، نام برد بیم دانشجویی، بسیجی‌الرگان لغو امتیاز شده این گروه بود؛

- همچنین می‌توان به شکل‌های زنانه متمایل به چپ مثل «جمعیت زنان جمهوری اسلامی» به دبیرکلی زهرا مصطفوی (دختر امام ره) و عضویت خانم‌ها و سقمی، مافی، صانعی و... اشاره کرد؛
- و نیز تشکیل جدید التأسیس «مجمع اسلامی بانوان» به دبیرکلی خانم فاطمه کروی (همسر مهدوی کروی) از آن جمله است؛

- جدای از «انجمن اسلامی پزشکان» که گرایش‌های متمایل به راست دارد، می‌توان به «انجمن اسلامی جامعه پزشکی ایران» از گروه‌های ائتلاف خط امام که گرایش‌های چپ دارد نیز نام برد؛
- تا آنجایی که اطلاع دارم «جمعیت فدائیان اسلام» در آستانه انتخابات مجلس پنجم با انتشار نشریه‌ای که نامش را فراموش کرده‌ام به مدیر مسئولی محمد عبدخدایی رسماً شروع به فعالیت کرد. گرچه گویا دو یا سه شماره بیشتر منتشر نشد و این گروه چندان فعال نیست.

«عصر ما» ارگان سازمان مجاهدین - در یک تقسیم‌بندی کلان به مرزبندی فعالیت نیروهای سیاسی پرداخته و آن را به دو بخش تقسیم می‌کند - این تقسیم‌بندی مورد انتقاد شدید نیروهایی همچون نهضت آزادی قرار گرفته است - البته این تقسیم‌بندی خود برگرفته از مباحث پروفیسور موریس دووژه در کتاب مبانی علم سیاست و جامعه‌شناسی سیاسی است. طبق این مرزبندی نیروهای سیاسی به دو گروه «خودی» و «غیرخودی» تقسیم می‌شوند. نیروهای «خودی» که به زعم سازمان مجاهدین - همان چهار جناح معروف چپ، چپ جدید، راست سنتی و راست مدرن می‌باشند، نه تنها نقش اساسی در به ثمر رساندن انقلاب داشتند که با وفاداری به قانون اساسی، ولایت فقیه و... و دفاع از نظام در زمان جنگ، حاکمیت را به نوعی در اختیار دارند و تنها براساس اختلاف سلیقه و برداشت از برخی مفاهیم، رویکردهای متفاوتی از یکدیگر دارند.

گروه دوم نیروهای «غیرخودی» هستند که خود به دو بخش تقسیم می‌شوند. یعنی نیروهای «مخالف قانونی» که اعلام کرده‌اند به قانون اساسی وفا دارند و سعی دارند در چارچوب قانون اساسی به مخالفت با حاکمیت یا نیروهای خودی بپردازند. همچون نیروهای ملی - مذهبی (نهضت آزادی، حزب ملت ایران و...) و دیگری «نیروهای مخالف غیرقانونی یا محارب» که نه تنها مخالف با حاکمیت هستند بلکه اعتقادی هم به قانون اساسی نداشته و در راستای سرنگونی نظام، مش براندازی نظام را در پیش گرفته‌اند. این گروه‌ها عمدتاً پس از فجایی که در اوایل انقلاب و اوایل دهه شصت مرتکب شدند، عمدتاً سرکوب شدند یا این که در حال حاضر در خارج از کشور فعالیت‌های محدودی دارند همچون سازمان مجاهدین خلق (منافقین) و برخی گروه‌های سلطنت طلب و چپ (مارکسیستی).

این سازمان معتقد است که هنر یک حکومت در این است که بتواند با فراهم آوردن شرایط، زمینه تبدیل نیروهای مخالف غیر قانونی (محارب) را به مخالف قانونی و نیز زمینه تبدیل نیروهای مخالف قانونی به نیروهای خودی را آماده‌سازی که این مهم مورد تأیید آقای خاتمی نیز می‌باشد (هرچند برخی با اعمال‌شان). در خلاف این امر گام بر می‌دارند! به هر حال غرض از ذکر این مطلب این است که بهتر بود که قبل از ورود به بخش دوم بحث، با ارائه‌نمایی کلی از طریق این تقسیم‌بندی وارد جزئیات و فعالیت گروه‌های فعال سیاسی می‌شدید.

(در ضمن بهتر پس از تکمیل جداول ص ۳۵-۳۶، آن را با توجه به نوع گرایش‌شان در یک ردیف بیاورید).